

**فهرست**

[فراموشی مسئولان در قبال ورزش همگانی معلولان 3](#_Toc143522526)

[گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (مرداد ۱۴۰۲) 5](#_Toc143522530)

[پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژۀ افراد با آسیب بینایی 8](#_Toc143522531)

[پیوند با فضای آکادمیک، راهی برای احیای پیکر نیمه‌جان آموزش نابینایان 11](#_Toc143522535)

[یک دوست تازه 13](#_Toc143522536)

[آشنایی با او‌ام‌آر و کاربرد آن برای نابینایان 15](#_Toc143522537)

[نگاهی به پدیدۀ رد دسته‌جمعی نابینایان پذیرفته‌شده در آزمون استخدامی آموزش‌ و پرورش 17](#_Toc143522538)

[همقدم با سَم در دنیای مشاغل 23](#_Toc143522554)

[معلولان و چالش استخدام در آموزش و پرورش راهکار و رویکرد حقوقی 24](#_Toc143522555)

[چشمه‌ای در دل سنگی کوهستان (چگونگی دسترسی افراد کم‌بینا و نابینا به منابع مطالعاتی) 28](#_Toc143522556)

[نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا 32](#_Toc143522570)

[مثلث معلولان، بهزیستی، آموزش و پرورش استثنایی 34](#_Toc143522571)

[احمد رضا نابینای مبتکر، خلاق و تحول آفرین 36](#_Toc143522572)

[«خبرنگار» با نشانِ «بوسۀ پروردگار» 39](#_Toc143522575)

[مجبورم، می‌فهمی؟ مجبور 41](#_Toc143522576)

**صاحب‌امتیاز:** انجمن نابینایان ایران

**مدیرمسؤول:** امیر سرمدی

**سردبیر:** امید هاشمی

**نویسندگان**: رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سرمدی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، فرزانه عظیمی، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

**مترجمان:** میثم امینی، میرهادی نائینی‌زاده و امید هاشمی

**ویراستار:** فاطمه محسن‌زاده

**ویراستار بریل:** روح‌الله رنجبر

**طراح لوگو و جلد:** ترانه میلادی

**عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها:** اشکان آذرماسوله، امیر سرمدی، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان و امید هاشمی

**گوینده نسخه صوتی:** زهرا همت

**تنظیم نسخه‌های الکترونیکی:** زهرا همت

**مدیر شبکه‌های اجتماعی:** امیر سپهری

**مدیر صفحه اینستاگرام:** اعظم چلوی

**چاپ بریل:** بخش نابینایان کتاب‌خانه مرکزی یزد

**صحاف:** ماهرخ تجا

**توزیع:** اداره کل پست استان یزد

**حامیان مالی:** بانک مسکن، پرداخت الکترونیک سداد، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، شرکت دانش‌بنیان پکتوس

**با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی،مدیرعامل انجمن نابینایان ایران**

## **فراموشی مسئولان در قبال ورزش همگانی معلولان**

**امیر سرمدی: مدیر‌مسئول**

در زمان نگارش این یادداشت، از میان قریب به هشتصدهزار آسیب‌دیدۀ بینایی در کشور، تنها 25 نفر از نابینایان و کم‌بینایان در مسابقات جهانی 2023 بیرمنگام انگلستان به مصاف حریفان خود رفته‌اند و همۀ نگاه‌ها معطوف به مدال‌آوری ورزشکاران کشورمان است، اما واقعیت آن است که در حوزۀ معلولان، آنچه بیش از ورزش حرفه‌ای و قهرمانی اهمیت دارد، پرداختن به ورزش همگانی و توسعۀ آن در میان این قشر است. به همین بهانه، در این یادداشت قصد داریم سرانۀ ورزش همگانی در ایران، ورزش همگانی در حوزۀ معلولان از منظر قانون‌گذاری و توجه کمیتۀ ملی پارالمپیک و فدراسیون نابینایان به ورزش همگانی را از نظر بگذرانیم.

### **نگاهی به سرانه و زیرساخت‌های ورزش همگانی در ایران**

ورزش همگانی در کشور ما از سال 1358ش با عنوان «ورزش محلات» آغاز و در سال 1362ش به‌صورت تشکل قانونی با عنوان «جهاد تربیت‌بدنی» رسمیت یافت؛ به‌طور‌کلی ورزش همگانی به انجام فعالیت‌های جسمانی سلامت‌بخش گفته می‌شود که بدون محدودیت جسمی، جنسی، سنی و مالی باشد، اما در حوزۀ معلولان ماجرا بسیار متفاوت است. فارغ از هرگونه شعار، معلولیت برای هر فردی محدودیت به دنبال دارد و اگر زیرساخت‌های حمایتی از آنها لنگ بزند، عرصه را به معلولان تنگ‌تر خواهد کرد. یکی از مصادیق بارز این امر در حوزۀ ورزش همگانی است و رهایی از آن، مستلزم توجه و فراهم‌کردن زیرساخت‌ها ازجمله سهولت در دسترسی به ورزشگاه‌ها، تأمین تجهیزات موردنیاز و ضروری معلولان، افزایش سرانۀ محیط‌های ورزشی ویژۀ این قشر و عزم جدی نهاد‌های تخصصی مانند کمیتۀ ملی پارالمپیک و فدراسیون نابینایان است. به گفتۀ معاون فرهنگی و توسعۀ ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان، بودجۀ مناسب ورزش همگانی در کشور اعتباری معادل ده‌هزار میلیارد تومان است. این در حالی است که بودجۀ کنونی ورزش همگانی در کشور، تنها دویست میلیارد تومان است. به اعتقاد نگارنده، فدراسیون ورزش‌های همگانی باید با مجموعه اعتباراتی که برای حوزۀ بهداشت و درمان در نظر گرفته می‌شود مقایسه شود. مسئولان باید پاسخ دهند بهتر است برای تندرستی و پیشگیری هزینه کنند یا درمان؟ برای درمان سالانه نزدیک به صدهزار میلیارد تومان هزینه می‌شود، اما برای پیشگیری با وجود اعتبارات استانی، با بودجۀ دویست‌میلیارد تومانی رو‌به‌رو هستیم. این یعنی سهم بودجۀ هر ایرانی برای ورزش همگانی در سال، در حدود دوهزار و پانصد تومان است.

نکتۀ مهم دیگر بحث مساحت سرانۀ ورزشی به‌ازای هر نفر است. مساحت سرانۀ تأسیسات ورزشی در کشورهای مختلف از بلوک شرق تا کشورهای اروپایی و آمریکایی متفاوت است. کشور فرانسه مساحت سی و پنج مترمربع را به‌ازای هر واحد مسکونی و انگلستان ده مترمربع به‌ازای هر نفر و آمریکا پانزده مترمربع به‌ازای هر نفر را پیشنهاد کرده است. به‌طور میانگین عرف بین‌المللی حدود بیست و پنج مترمربع فضای ورزشی و فضا‌های سبز به‌ازای هر نفر است که از این رقم حدود هجده مترمربع به فضا‌های سبز و بقیه به فضا‌های ورزش همگانی اختصاص دارد. چون در بیشتر نقاط ایران، مساحت سرانۀ ورزشی کافی و حتی حداقلی برای افراد وجود ندارد، استاندارد مشخصی هم نمی‌توان تعریف کرد، اما به گفتۀ افشین ملایی، رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی، طبق آمار مساحت سرانۀ ورزشی هر ایرانی معادل هفتاد سانتی‌متر است. به گفتۀ وی، 92درصد اماکن ورزشی وزارتخانه‌ها، ارگان‌ها و نهاد‌ها در اختیار عموم مردم قرار نمی‌گیرد و کسی از ا‌ینکه چهل و دو میلیون نفر از مردم ایران اصلاً ورزش نمی‌کنند آشفته نمی‌شود. واقعیت آن است اگر بخواهیم میزان کم‌تحرکی را کاهش دهیم، باید برنامه‌های فراگیر ملی داشته باشیم. میانگین فعالیت ورزشی ایرانیان روزانه فقط سیزده دقیقه است و با میانگین تراز هفتگی سازمان بهداشت جهانی که معادل صد و پنجاه تا سیصد دقیقه است، فاصله بسیاری دارد. آمار و ارقام بالا از این منظر تأمل‌بر‌انگیز است که اگر مساحت سرانۀ ورزش همگانی تنها هفتاد سانتی‌متر باشد، قطعاً در بسیاری از شهرها و روستا‌ها در حوزۀ ورزش همگانیِ معلولان این آمار نزدیک به صفر خواهد بود. اگر میانگین ورزش در میان افراد سالم روزانه سیزده دقیقه باشد، این موضوع در میان بسیاری از افراد دارای معلولیت نزدیک به صفر خواهد بود و بسیاری از آنها با بی‌تحرکی مطلق مواجه هستند؛ بااین‌همه دستگاه‌های مسئول، تنها به بُعد قانون‌گذاری اکتفا کرده‌اند و هیچ اقدام عملی در این بین صورت نگرفته است. مجموعه‌های ورزشی مانند شهید هرندی که تنها مجموعۀ اختصاصی ورزش نابینایان در پایتخت محسوب می‌شود، در شمول مادۀ ۸۸ قرار گرفته و عملاً تمامی بخش‌های آن اجاره داده شده است. مجموعه‌های ورزشی اختصاصی نابینایان در شهر‌های یزد و ارومیه نیز سال‌های سال است که به علت عدم اختصاص بودجه، نیمه‌کاره رها شده‌اند. بسیاری از پارک‌های مجهز به تجهیزات ورزش همگانی، از سوی شهرداری‌ها برای عبور و مرور افراد دارای معلولیت مناسب‌سازی نشده است.

### ورزش همگانی معلولان از منظر قانون‌گذاری

**ورزش همگانی برای معلولان نیز مانند بسیاری از بخش‌های دیگر، ازنظر وضع قوانین کم و کسری ندارد، اما آنچه بعد از شش سال ابلاغ عملیاتی نشده، اجرای قانون است.** مصوبۀ «سیاست‌ها، راهبرد‌ها، وظایف و ضوابط اجرایی ترویج فرهنگ حضور، توانمندی و افتخارآفرینی جانبازان و معلولان از طریق ورزش» که در جلسۀ ۷۹۴، مورخ ۱۵ فروردین 1396ش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس مصوبۀ جلسۀ ۶۳۹ شورای فرهنگ عمومی به تصویب رسیده، برای تمام وزارتخانه‌ها، سازمان­ها و نهادهای کشوری و لشکری در حوزۀ ورزش معلولان وظایفی را تعیین کرده است. بیشتر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عمومی غیردولتی مکلف شده‌اند درصدی از ظرفیت اماکن و تجهیزات ورزشی دستگاه خود را به ورزش جانبازان و معلولان؛ آن‌هم به‌صورت رایگان اختصاص دهند. تخصیص قسمتی از 1درصد بودجۀ موضوع مادۀ (۵۳) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم‌ بخشی از مقررات مالی دولت در دستگاه مربوط، به‌عنوان تضمین تحقق این مصوبه در نظر گرفته شده است. نکتۀ جالب آن است که در این قانون، حمایت از فعالیت‌های ورزشی در دستگاه‌های ذی‌ربط، شامل کارکنان جانباز و معلول آن دستگاه و اعضای معلول خانوادۀ کارکنان آن نهاد نیز می‌شود؛ مصوبه‌ای که تقریباً از سوی هیچ نهاد یا سازمانی جدی گرفته نمی‌شود.

### **سهم دستگاه‌های متولی نسبت به ورزش همگانی معلولان**

نهاد‌های مرتبط با ورزش معلولان مانند کمیتۀ ملی پارالمپیک، فدراسیون نابینایان و جانبازان، سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش استثنایی بیشترین سهم را در توسعۀ ورزش همگانی در میان معلولان دارند، اما عملکرد مدیران و رؤسای این سازمان‌ها در سال‌های اخیر قابل‌قبول نبوده است. فدراسیون نابینایان و کمیتۀ ملی پارالمپیک به جای توسعۀ ورزش همگانی عمدتاً نگاه حرفه‌ای و قهرمانی به ورزش نابینایان و معلولان دارند. این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که با کسب مدال‌های قاره‌ای و جهانی در ورزش قهرمانی، گویی موفقیت مدیران بیشتر به چشم می‌آید و با استفاده از آن بیشتر می‌توانند در تبلیغات و رسانه‌‌ها خودنمایی کنند. این در حالی است که با توسعۀ ورزش همگانی، هیچ وزنه‌ای در ترازوی مدیریتی رؤسای فدراسیون‌ها سنگینی نمی‌کند و کارنامۀ مدیریتی آنها صرفاً با کسب چند مدال طلای جهان و پارالمپیک قضاوت و سنجیده می‌شود؛ بنابراین چون گسترش ورزش همگانی برای مدیران تبلیغ رسانه‌ای گسترده‌ای به همراه ندارد و از سویی دیگر اعتبارات چندانی در این حوزه به آنها اختصاص نمی‌یابد، ورزش همگانی در حوزۀ معلولان و نابینایان نیز مانند سایر اقشار جامعه مهجور مانده است.

واقعیت آن است که ورزش برای معلولان فارغ از بحث سلامتی، جنبۀ توان‌بخشی دارد و وظیفۀ تمامی نهاد‌های متولی است که در راستای فراگیر کردن آن در جامعه از هیچ کوششی دریغ نکنند.

در زمان انتشار این یادداشت، کاروان چهل ‌و شش‌نفرۀ نابینایان ایران در بازی‌های جهانی ۲۰۲۳ انگلستان در چهار رشتۀ گل‌بال، فوتبال‌، جودو و پاورلیفتینگ حضور یافته و به مصاف رقبای خود رفته‌اند. در مسابقات جهانی نابینایان که هر چهارسال یک‌بار برگزار می‌شود و تا هفتم شهریور ادامه خواهد داشت، شش ورزشکار در رشتۀ گل‌بال، چهار جودوکار، هشت نفر در فوتبال پنج‌نفره و هفت ورزشکار نیز در رشتۀ پاورلیفتینگ از کشورمان راهی شهر بیرمنگام شده‌اند؛ درواقع از میان هشتصدهزار آسیب‌دیدۀ بینایی در کشور، تنها بیست و پنج نفر توانسته‌اند خود را به سطح مسابقات جهانی برسانند و این آمار در مسابقات پارا‌آسیایی حداکثر دو برابر خواهد شد.

بدیهی است ایجاد سلامتی واقعی و شور و نشاط اجتماعی در گروی توسعه و فراهم‌کردن زیرساخت‌های ورزش همگانی برای معلولان است. برای ترویج فرهنگ ورزش همگانی، ضرورت دارد مردم و مسئولان موضوع کم‌تحرکی را به‌عنوان یک دشمن خاموش جامعه بیش از پیش جدی بگیرند و برای مقابله با آن بکوشند.

## **گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (مرداد ۱۴۰۲)**

به اطلاع علاقه‌مندان به این مجموعه گزارش‌ها می‌رساند این ماه با توجه به کسالت پیش‌آمده برای مهندس منصور شادکام، قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران، امکان ضبط فایل صوتی برای ایشان فراهم نبود. ضمن آرزوی سلامتی برای ایشان، نسخۀ متنی این گزارش را تقدیم علاقه‌مندان می‌کنیم.

در ابتدا، روز خبرنگار را به اعضای تحریریۀ ماهنامه نسل مانا که برای انتشار بیست شمارۀ این نشریه، با کمترین امکانات، تلاش‌های بسیاری کرده‌اند، تبریک می‌گوییم و برای ایشان در ادامه‌دادن این مسیر، آرزوی موفقیت داریم.

انجمن نابینایان ایران در ماه گذشته، جلسه‌ای با مؤسسۀ کودکان دنیا داشت که به‌صورت تخصصی در حوزۀ کودکان با نیازهای ویژه فعالیت دارد. این مؤسسه در اواخر آذر‌ماه سال جاری، رویدادی با محوریت کودکان با نیازهای ویژه برگزار می‌کند و قرار است انجمن نابینایان ایران نیز در محور کودکان با آسیب بینایی در این رویداد همکاری داشته باشد. مؤسسۀ مذکور، نشریه‌ای را با همکاری مجلۀ سیزده، منتشر می‌کند و تلاش می‌کنیم مطالبی را با موضوع فرهنگ‌سازی تعامل با افراد با آسیب بینایی در این مجله که مخاطبان نوجوان دارد، منتشر کنیم و امیدواریم گام مؤثری در زمینۀ فرهنگ‌سازی نوجوانان باشد.

همچنین جلسه‌ای با آقای دکتر فلاح، معاون فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، داشتیم و مقرر شد همکاری مشترکی میان انجمن نابینایان ایران و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شکل گیرد. ما ده مورد را مانند برگزاری مسابقات تندخوانی بریل در قالب قصه‌خوانی در پانزده کتابخانۀ کودک و نوجوان زیر نظر انجمن نابینایان؛ تولید کتاب صوتی در حوزۀ کودک و نوجوان؛ برگزاری دوره‌های آموزشی جهت‌یابی و حرکت؛ کار با کامپیوتر و تلفن همراه هوشمند؛ کارگاه آموزش خط بریل ویژۀ والدین کودکان با آسیب بینایی؛ برگزاری تور‌های فرهنگی، موزه‌گردی و طبیعت‌گردی و...با حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ارسال کردیم و در صورت تصویب نهایی تفاهم‌نامه، مفاد آن به‌طور کامل به اطلاع مخاطبان محترم خواهد رسید.

همان‌گونه که مستحضر هستید، در آبان‌ماه سال گذشته، تعدادی از کوه‌نوردان بینا ضمن مراجعه به انجمن نابینایان ایران، برای برگزاری برنامه‌های کوه‌نوردی اعلام آمادگی کردند و در چند ماه، حدود دوازده برنامۀ کوه‌نوردی و طبیعت‌گردی با همکاری این گروه برگزار شد، ولی فعالیت‌های این گروه به سمت و سویی می‌رفت که انجمن تصمیم گرفت برای اولین بار در تاریخ سی‌سالۀ خود و با اتکا به تجربه‌های کسب‌شده از برگزاری برنامه‌های سیاحتی و زیارتی، به‌طور مستقل تور‌های طبیعت‌گردی را برگزار کند؛ بنابراین تصمیم گرفتیم که هر دو یا سه هفته، یک برنامۀ طبیعت‌گردی داشته باشیم.

اولین برنامه در تاریخ سیزده مرداد‌، در روستای گردشگری خُمِده فیروزکوه برگزار شد. برنامۀ بعدی ما در شهریور‌ماه برگزار خواهد شد و پیمایش از روستای آهار تا آبشار شِکراب و صعود به قلۀ چین‌کلاغ، در شهر تهران را خواهیم داشت. این برنامه‌های طبیعت‌گردی و کوه‌پیمایی با راهنمایی سرپرست دارای مجوز از سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری انجام می‌شود. انجمن نابینایان ایران از تمام نابینایان و کم‌بینایان استان تهران برای شرکت در این برنامه‌ها دعوت می‌کند.

پیش از این گروهی را با عنوان «کوه‌نوردان استوار» تحت‌نظر هیئت ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان استان تهران در پیام‌رسان واتس‌آپ داشتیم که برنامه‌های کوه‌نوردی بسیاری بین سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، ازجمله صعود به قلۀ دماوند برگزار کرد. ما این گروه را که در حال حاضر حدود صد نفر عضو شامل کوه‌نوردان نابینا و کم‌بینا و هم‌نوردان بینا دارد احیا کردیم که از این پس زیر نظر کمیتۀ فرهنگی‌ورزشی انجمن نابینایان ایران فعالیت خواهد کرد. از علاقه‌مندان دعوت می‌شود برای عضویت در این گروه، با دفتر انجمن تماس بگیرند و شمارۀ تلفن خود را اعلام کنند. اطلاعیه‌های مربوط به برگزاری برنامه‌های کوه‌نوردی و طبیعت‌گردی در گروه کوه‌نوردان استوار و کانال انجمن نابینایان ایران، منتشر خواهد شد. تأمین هزینه‌های این برنامه‌ها از چالش‌های جدی پیش روی انجمن است؛ چرا‌که برای مثال کرایۀ یک اتوبوس ۲۵‌نفره برای یک روز، بین نُه تا ده میلیون تومان است و انجمن می‌کوشد این هزینه‌ها را از طریق رایزنی با نهادهایی مانند شهرداری و نیکوکاران همراه انجمن تأمین کند تا تورهای طبیعت‌گردی نیز مانند ماهنامۀ نسل مانا به یکی از برنامه‌های مدون انجمن تبدیل شود. علاوه بر این انجمن قصد دارد در حوزۀ کوه‌نوردی، جلسه‌هایی را با باشگاه‌های رسمی و معتبر کوه‌نوردی که صعود به قله‌های سه و چهار هزارمتری را برگزار می‌کنند داشته باشد و افرادی را که قصد کوه‌نوردی به‌صورت حرفه‌ای دارند، به این باشگاه‌ها که تحت پوشش بیمه هستند و هم‌نوردان حرفه‌ای در آن فعالیت می‌کنند معرفی کند.

در روز‌های اول و سی‌ام مرداد‌ماه، دو جلسۀ اعضای گروه سیاست‌گذاری جشنوارۀ کاما برگزار شد. جلسۀ اول در دفتر مرکزی انجمن و متأسفانه با غیبت معاونت فرهنگی وزارت ارشاد برگزار شد. از ابتدای اردیبهشت‌ماه سال جاری، چهار جلسه درخصوص برگزاری جشنوارۀ کاما، به‌عنوان تنها جشنوارۀ کتاب معلولان برگزار شده است و متأسفانه معاونت فرهنگی وزارت ارشاد در هیچ‌یک از این جلسات مشارکت نکردند. با توجه به اینکه جشنوارۀ کاما تنها رویداد کتاب معلولین است و هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود، این بی‌توجهی از جانب وزارت ارشاد که از متولیان فرهنگ محسوب می‌شود، پذیرفتنی نیست. نکتۀ دیگر اینکه کارشناس آموزش و پرورش استثنایی از جلسۀ دوم، از مشارکت در شورای سیاست‌گذاری جشنوارۀ کتاب کاما انصراف دادند و در پی اعتراض انجمن نابینایان ایران، نماینده‌ای از طرف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، از جانب وزیر آموزش و پرورش، جایگزین ایشان شد. نتیجۀ این جلسه‌ها این بود که سازمان اسناد و کتابخانۀ ملی، تأمین فضای برگزاری و تصویر‌برداری مراسم اختتامیه را بر عهده بگیرد. همچنین با پیگیری آقای دکتر ساعی و خانم شادی در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، آثار برگزیدۀ جشنواره توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور خریداری شوند تا مشوقی برای نویسندگان و ناشران باشد.

هزینه‌بر بودن ارسال دو جلد از کتاب به دبیرخانۀ جشنواره یکی از دغدغه‌های ناشران و نویسندگان بود که از طرف علی نوری، رئیس‌دفتر فرهنگ معلولین، مطرح و مصوب شد که تمامی آثار ارسالی به دبیرخانۀ جشنواره، پس از بررسی و داوری به شرکت‌کنندگان باز پس داده شوند. از دیگر دغدغه‌های ناشران، به‌ویژه ناشران بخش خصوصی، تمایل به مخفی ماندن شرایط معلولیت نویسندگان کتاب‌ها بود؛ چرا‌که برخی معتقدند ممکن است آشکارشدن معلولیت نویسندگان موجب کاهش محبوبیت و درنتیجه فروش کتاب شود که مقرر گردید در جلسه‌های بعدی این موضوع به‌صورت تخصصی موردبررسی قرار گیرد.

بر اساس گزارش کامران آروان، تا پایان تیر‌ماه، هشتاد و پنج اثر به دبیرخانۀ جشنواره ارسال شده که پنجاه و پنج اثر توسط افراد فاقد معلولیت و در حوزۀ معلولان نوشته شده است و نویسندگان سی اثر از افرادِ دارای معلولیت، شامل نوزده معلول جسمی و حرکتی، نُه نابینا و کم‌بینا و دو ناشنوا و کم‌شنوا هستند. به اطلاع مخاطبان محترم می‌رساند که مهلت ارسال آثار به جشنواره تا ۱۵ شهریورماه تمدید شد.

یکی از خواسته‌های برخی اعضای کتابخانه‌های زیر نظر انجمن نابینایان ایران، تأمین وسیلۀ ایاب و ذهاب برای مشارکت در کلاس‌ها و کارگاه‌های این کتابخانه‌ها بود که با رایزنی انجمن با سازمان بهزیستی کشور مقرر شد این امکان از طرف سازمان بهزیستی فراهم شود. این دستور به استان‌ها ابلاغ شد، اما متأسفانه اداره‌های بهزیستی پانزده استان هنوز موفق به فراهم نمودن ساز‌و‌کار‌های موردنیاز نشدند و انجمن همچنان پیگیر عملیاتی‌شدن این برنامه خواهد بود.

از دیگر اقدامات انجمن، برگزاری جلسه با آقای رضایی‌فر، دبیر ستاد مناسب‌سازی کشور، بود و نامه‌ای به‌منظور مناسب‌سازی دو ایستگاه راه‌آهن تهران و مشهد تنظیم شد. مطابق قول معاونت ایستگاهی راه‌آهن، مناسب‌سازی این دو ایستگاه تا ۲۳ مهر سال جاری انجام خواهد شد و انجمن تأمین هزینه‌های این پروژه را پیگیری خواهد کرد. از نکات بسیار مهمی که از جانب آقای رضایی‌فر مطرح شد، عدم پیشروی پروژه‌ها به دلیل اختلاف‌نظر شبکۀ تشکل‌های نابینایان (شمنا) و انجمن‌ها و تشکل‌های نابینایان بود.

انجمن نابینایان ایران بنا دارد در شهریور‌ماه دو تور سیاحتی و زیارتی برگزار کند. تور زیارتی توسط دفتر نمایندگی تهران برگزار خواهد شد و هفتاد نفر شامل سی و پنج نفر از نابینایان، به‌صورت رایگان، و سی و پنج نفر همراه از چهارم تا دهم شهریور به کربلا اعزام خواهند شد. بر اساس مکاتبات انجام شده با سازمان بهزیستی، در نیمۀ دوم شهریور‌ماه، تور سیاحتی انجمن نابینایان ایران در تنکابن برگزار می‌شود.

## **پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژۀ افراد با آسیب بینایی**

**امید هاشمی: سردبیر**

در این شماره، کار را از بالای جو آغاز خواهیم کرد. به سراغ یک رادیوی ویژۀ نابینایان می‌رویم و با یک اخترشناس نابینا آشنا می‌شویم. سپس از یک گوشی مجهز به صفحه‌کلید فیزیکی رونمایی خواهیم کرد و راجع‌به امکانات تازه تاکیک و اندروید ۱۴ مواردی را مرور خواهیم کرد.

### **بیست‌سالگی رادیو آر‌ان‌آی‌بی و گردش علمی در کائنات به‌صورت لمسی**

امسال درست بیست سال می‌گذرد از آن روز‌هایی که یک اتفاق بزرگ، به نقل محافل نابینایان در دنیا تبدیل شد. «مؤسسۀ ملی سلطنتی بریتانیا[[1]](#footnote-1)» نامی آشنا برای نابینایان دنیا است. همۀ ما آن را با نام اختصاری «آر‌ان‌آی‌بی» می‌شناسیم؛ جایی که کتابخانه‌اش در میان نابینایان دنیا شهره است و افراد بسیاری نیاز‌هایشان به کتاب‌های کمیاب بریل را به کمک آرشیو غنی آن برطرف کرده‌اند.

«کانِکت رادیو[[2]](#footnote-2)» نام شبکه‌ای رادیویی است که این مؤسسه حالا حدود بیست سال است که آن را برای نابینایان ایجاد کرده است؛ شبکه‌ای که کارش را در سال ۲۰۰۳م، فقط با روزی دو ساعت برنامه شروع کرد و حالا کار تا بدان‌جا پیشرفت کرده است که نابینایان ۲۴ ساعت روز و هفت روز هفته می‌توانند به برنامه‌هایش گوش کنند. برنامه‌‌های این شبکۀ رادیویی، همگی، به‌وسیلۀ عوامل نابینا و کم‌بینا تهیه و اجرا می‌شوند و تمام موضوع‌ها به دنیای افراد نابینا و نیاز‌هایشان مربوط می‌شود؛ از اخبار فناوری گرفته تا آموزش‌های موردنیاز و مباحث مرتبط با فرهنگ‌سازی، همگی، در میان برنامه‌های این رادیو، ساعتی را به خود اختصاص می‌دهند.

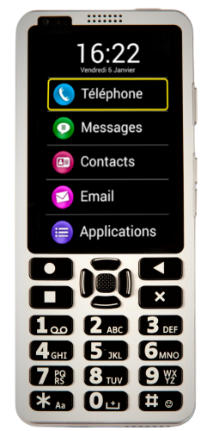
عوامل کانکت رادیو به مناسبت بیست‌سالگی این شبکۀ رادیویی برنامه‌های ویژه‌ای را تدارک دیده‌اند. در یکی از این ویژه‌برنامه‌ها، «هیوبِرت[[3]](#footnote-3)»، از مجریان رادیو، به دانشگاه پورتسموث رفته تا با «دکتر نیک بان[[4]](#footnote-4)»، کیهان‌شناس نابینا دیدار و گفتگو کند. نیک در این دانشگاه در جایگاه کارشناس مشارکت‌های عمومی و اطلاع‌رسانی مشغول کار است. او که اهل استرالیا و مبتلا به کم‌بینایی شدید است، سعی دارد با ارائۀ راهکار‌های خلاقانه، امکان آشنایی نابینایان را با کیهان و شگفتی‌هایش فراهم کند.

نیک توضیح می‌دهد که یکی از فعالیت‌هایش در این راستا این است که اشکال گوناگون مرتبط با کیهان را به‌صورت سه‌بُعدی طراحی کند تا پس از چاپ با چاپگرهای سه‌بعدی، نابینایان بتوانند آنها را لمس کنند و با جزئیات اجرام فضایی آشنا شوند. او با هدف ایجاد دسترسی برای همۀ نابینایان در اقصای دنیا، وبگاهی را با نام «[تَکتایل یونیوِرس](https://tactileuniverse.org/)[[5]](#footnote-5)» طراحی کرده است که هر کاربر به‌راحتی می‌تواند با ورود به این وبگاه، ضمن دریافت انبوهی اطلاعات مربوط به کیهان‌شناسی، فایل‌های چاپ سه‌بُعدی را بارگیری و چاپ کند تا از طریق حاصل دسترنج دکتر نیک، با فضا و اجرامش ارتباط برقرار کند. این پروژه با هدف ارتقای دانش کودکان هفت تا چهارده‌ساله طراحی شده و در حال حاضر، سفر در نقاط مختلف بریتانیا و برگزاری تور کیهان‌شناسی برای کودکان و نوجوانان نابینا، یکی از مشغله‌های اصلی دکتر نیک است. در نسخۀ صوتی پیشخوان هم راجع‌به رادیو آر‌ان‌آی‌بی و هم پروژه کیهانِ لمسی بیشتر برایتان خواهیم گفت.

### **دو قابلیت در یک گوشی: تجربه استفاده از یک گوشی لمسی دکمه‌ای**

از وقتی گوشی‌های لمسی پا به دنیای نابینایان گذاشته‌اند، همواره بوده‌اند افرادی که صبح تا شب را با نوستالژی گوشی‌های دکمه‌ای و سرعت بالای استفاده از آنها سر می‌کرده‌اند و همیشه مشغول رصد اخبار بوده‌اند که مبادا یک گوشی هوشمند دکمه‌ای وارد بازار شود و آنها بی‌خبر بمانند، البته چندتایی هم عرضه شد، اما چیز خیلی دندان‌گیری عاید نابینایان نشد؛ چراکه این گوشی‌ها برای استفاده عموم طراحی شده بودند و نیاز‌های خاص نابینایان در طراحی آنها لحاظ نشده بود. این بار اما می‌خواهیم به معرفی یک گوشی هوشمند بپردازیم که ویژۀ نابینایان طراحی و عرضه شده و قابلیتی هر دوانه دارد؛ به این ترتیب که هم می‌توان از دکمه‌های فیزیکی برای کار با گوشی بهره برد و هم صفحۀ نمایش به شکل لمسی طراحی شده تا هر جا استفاده از صفحۀ لمسی به‌صرفه‌تر بود، کاربر نابینا بتواند بی‌هیچ مشکلی از آن صفحه هم استفاده کند.

کمپانی «[رَز موبیلیتی](https://www.razmobility.com/)[[6]](#footnote-6)» در آمریکا واقع شده و کارش این است که گوشی و سایر اقلام همراه را برای افراد با نیاز‌های خاص تولید کند. گوشی‌هایی که این شرکت تا به حال در بازار عرضه کرده، نیاز‌های افراد بسیاری را که دچار انواع آسیب‌های مغزی نظیر آلزایمر و زوال عقل شده‌اند، برطرف می‌کند. این کمپانی همچنین ابزار‌هایی را هم برای تسهیل استفاده افراد دارای معلولیت‌های حسی از ابزار‌های هوشمند روانۀ بازار کرده است.

«اسمارت ویژن ۳[[7]](#footnote-7)» جدید‌ترین گوشی هوشمند دکمه‌دار ویژۀ کاربران نابینا است که رز موبیلیتی آن را تولید کرده است. برای اولین بار، گوشی هوشمندی ویژۀ نابینایان تولید شده که گوگل هم برای آن گواهی صادر کرده است. این گوشیِ شش‌و‌نیم اینچی، شامل دو بخش است؛ حدود شصت درصد از اندازۀ گوشی به صفحۀ نمایش اختصاص یافته و در نیمۀ پایینی آن‌هم یک صفحه‌کلید تعبیه شده است. صفحه‌کلید، خود از دو بخش تشکیل می‌شود؛ اعداد یک تا نه، ستاره، صفر و مربع و در بالای آنها هم کلید‌های جهت‌نما، کلید انتخاب، صفحۀ اصلی، بازگشت، منو و سایر کلید‌ها. کلیدی هم برای دریافت پیام صوتی در قسمت کناری گوشی لحاظ شده است.

این گوشی از یک پردازندۀ هشت هسته‌ای، چهار گیگابایت رم و ۶۴ گیگابایت حافظه برخوردار است. دو دوربین، یکی در جلو و دیگری در عقب، امکان تصویربرداری یا مکالمه تصویری را در اختیار کاربران قرار می‌دهد. همچنین کاربران می‌توانند با استفاده از قابلیت لمسی بر روی صفحه‌نمایش گوشی، هر وقت لازم بود به شکل لمسی از گوشی استفاده کنند. این گوشی از دو سیم‌کارت پشتیبانی می‌کند که البته کاربر مختار است به‌جای سیم دوم، یک کارت حافظه در گوشی قرار دهد. گوشی از کارت‌های تا ۲۵۶ گیگابایتی پشتیبانی می‌کند.

ازنظر نرم‌افزاری، این گوشی تفاوتی با آنچه گوشی‌های رایج بازار عرضه می‌کنند، ندارد؛ از همین رو کاربران می‌توانند از تمامی برنامه‌های موجود در بازار استفاده کنند. نسخۀ اندرویدی که روی اسمارت ویژن نصب شده، ۱۱ است و احتمالاً به‌خاطر برنامه‌ریزی‌های خاصی که روی آن شده، امکانی برای به‌روز‌رسانی اندروید در نظر گرفته نشده است؛ مگر آنکه رز موبیلیتی خودش دست به انتشار به‌روز‌رسانی بزند؛ علاوه بر این ما هنوز اطلاعی از کیفیت پشتیبانی این گوشی از زبان فارسی نداریم. به احتمال قریب‌به‌یقین، امکان نصب موتور‌های صوتی فارسی و سایر اپلیکیشن‌های ایرانی فراهم است، اما اینکه صفحه‌کلید فیزیکی از زبان فارسی پشتیبانی کند یا نه، هنوز محل تردید است.

این گوشی با دو قیمت عرضه می‌شود؛ نمونۀ معمولی آن ۵۳۹ دلار است، اما با پرداخت شصت دلار بیشتر می‌توان نمونه‌ای را دریافت کرد که شامل شارژر بی‌سیم، کیف و محافظ صفحۀ نمایش و یکی دو اپلیکیشن کاربردی دیگر می‌شود. در نسخۀ صوتی پیشخوان قسمت‌های مختلف این گوشی به‌تفصیل شرح داده شده است.

### **اندروید ۱۴ و به‌روز‌رسانی‌هایی ویژه کاربران نابینا**

پادکست «بلایندَبیلیتیز[[8]](#footnote-8)» در یکی از آخرین اپیزود‌هایش میزبان «نیمِر جابِر[[9]](#footnote-9)» ، تحلیلگر بخش دسترسی‌پذیری در شرکت گوگل، بود. این کارشناس دسترسی‌پذیری در این گفتگوی کوتاه، به امکاناتی اشاره کرد که اخیراً به صفحه‌خوان اندروید اضافه شده است، ازجملۀ آنها، قابلیتی است که به کاربران امکان می‌دهد در هنگام نوشتن یک متن، با استفاده از کشیدن انگشت، خطا‌های املایی را تک‌به‌تک بررسی و اصلاح کنند. همچنین میان‌بر‌ها و حرکات مفیدی هم به صفحه‌کلید مجازی بریل اضافه شده است. همچنین این امکان هم در نظر گرفته شده که کاربران بتوانند انگلیسی را به‌صورت کوتاه‌نویسی بنویسند. جدول‌های مربوط به چند زبان تازه هم به مجموعه جدول‌های بریل افزوده شده که کاربرانی که نمایشگر بریل داشته باشند، می‌توانند از آنها استفاده کنند.

جابر در بخش دیگری از صحبت‌هایش امکانات تازه «لوک اوت[[10]](#footnote-10)» را مرور می‌کند. این اپلیکیشنی است که از قابلیت پردازش تصویر برخوردار است و کاربران می‌توانند از چیز‌های مختلف عکس بگیرند تا اپلیکیشن برایشان توصیف کند. ازجمله امکانات جالب‌توجهی که اضافه شده این است که کاربران می‌توانند دربارۀ عکسی که گرفته‌اند، پرسش کنند، مثلاً می‌توانند عکس سگی را بارگذاری کنند و از اپلیکیشن بپرسند که سگ چه رنگی است یا در چه موقعیتی قرار دارد. همچنین امکانی هم اضافه شده که در هنگام خواندن متنی که از آن عکس گرفته‌اند، می‌توانند از اپلیکیشن بخواهند تا قسمت خاصی از آن را بخواند، مثلاً می‌توانند از یک کارت ویزیت عکس بگیرند و جای اینکه تمام محتوای کارت خوانده شود، از اپلیکیشن بخواهند فقط آدرس مندرج بر کارت را برایشان بخواند. دربارۀ جزئیات این گفتگو در نسخۀ صوتی پیشخوان بیشتر گفتگو خواهیم کرد. همچنین اگر شنوندۀ نسخۀ صوتی باشید، با یک فرد دیگر نابینا آشنا خواهید شد که حالا برنامه‌نویس زبردستی شده و توانسته گلیم زندگی‌اش را به‌خوبی از آب بکشد. شما می‌توانید نسخۀ صوتی پیشخوان را از وبگاه نسل مانا یا کانال‌های ما در پیام‌رسان‌ها دریافت کنید.

## **پیوند با فضای آکادمیک، راهی برای احیای پیکر نیمه‌جان آموزش نابینایان**

**زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران**

این روز‌ها صحبت از آموزش و توان‌بخشی کودکان، داغ‌تر از روزهای تابستانی است و این شور و حرارت و تشنگی، پرسش‌هایی را در ذهن بیدار می‌کند. به این می‌اندیشیم که آیا آموزش و توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی یک کار تخصصی است؟ آیا آموزش این کودکان نیاز به مهارت و تخصص دارد؟ چه کسانی با چه دانش و مهارت‌هایی می‌توانند به این کودکان آموزش بدهند؟ کدام مراکز می‌توانند پذیرای آموزش افراد با آسیب بینایی باشند؟ آیا هر مرکز توان‌بخشی، صلاحیت کار با فرد با آسیب بینایی را دارد؟ آیا می‌توانیم فرزند با آسیب بینایی را در مرکز پیش‌دبستانی نزدیک منزل ثبت‌نام کنیم؟ این پرسش‌ها بر‌خلاف صورت نسبتاً ساده‌ای که دارد؛ پاسخ ساده‌ای ندارند و متأسفانه طیف بسیار گسترده‌ای از پاسخ‌ها را دربرمی‌گیرند.

برخی معتقدند افراد با آسیب بینایی، صرف‌نظر از آسیب بینایی همانند سایر افراد هستند و تنها تفاوت آموزش این افراد با همسالانِ فاقد آسیب بینایی، استفاده از خط بریل است. برخی دیگر معتقدند افراد با آسیب بینایی از هوش و استعداد بالاتری نسبت به سایرین برخوردارند و آموزش آنان کار بسیار ساده و جذابی است و برعکس، گروهی دیگر بر این باورند که برقراری ارتباط با فرد با آسیب بینایی و آموزش مفاهیمی که به‌راحتی از طریق دیدن آموخته می‌شود، از راهی به‌جز حس بینایی و پرورش سایر حواس در این افراد، کار بسیار دشواری است؛ به‌همین‌دلیل تمایل به کار با کودکان با آسیب بینایی در میان مربیان کودکان با نیاز‌های ویژه بسیار کاهش یافته است و مربیان ترجیح می‌دهند با گروه‌های دیگری از افراد با نیاز‌های ویژه مانند گروه با نیاز‌های ویژه ذهنی، جسمی و حرکتی و اُتیسم و...که در جامعه بیشتر به آنان پرداخته می‌شود کار کنند. به‌راستی دلیل این کاهش استقبال چیست؟ شاید این نگرش‌ها به نظر برخی اصلاً مهم نباشد و تصور کنند که هر فردی آزاد است دیدگاه و نظر خود را داشته باشد، اما مسئلۀ مهم در اینجا علل شکل‌گیری این نگرش‌هاست و باید ریشه‌های این نگرش‌های ضد و نقیض شناسایی شود. این باور که هرکس مجاز است دیدگاه و نظر خود را داشته باشد و بر اساس آن عمل کند، در این حیطه کارایی ندارد و نهاد‌های متولی آموزش و توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی، مسئول ایجاد نگرش صحیح در این زمینه هستند.

می‌دانیم که افراد با آسیب بینایی نیز مانند سایر افراد جامعه، طیف گسترده‌ای هستند که نسبت به هم، از سطح هوش، توانایی، استعداد، سلامت جسمانی و روانی متفاوتی برخوردارند، یعنی در میان افراد با آسیب بینایی هم همانند سایرین، افراد بسیار باهوش و افراد با هوش متوسط و هوش پایین پیدا می‌شوند. ممکن است با فردی با آسیب بینایی مواجه شویم که در کنار آسیب بینایی، دچار اتیسم، محدودیت‌های حرکتی، نیاز‌های ویژۀ ذهنی و...باشد. از سوی دیگر ممکن است فردی با آسیب بینایی در گروه افراد با استعدادهای درخشان جای گیرد؛ بنابر‌این می‌بینیم که با گروه بسیار گسترده‌ای مواجه هستیم که نمی‌توانیم در ‌مورد نیاز‌های آموزشی همۀ آنان به یک شکل قضاوت، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنیم و شاید بهتر باشد بگوییم که برنامه‌ریزی آموزش با در نظر گرفتن نیاز‌ها، توانایی‌ها و محدودیت‌ها از فردی به فرد دیگر متفاوت است.

امروزه مراکز آموزشی و توان‌بخشی متعددی در سطح کشورمان دایر شده‌اند و این موضوع بسیار خوشحالمان می‌کند، اما نکتۀ نا‌امید‌کننده در این میان، پایین بودن تعداد مراکز تخصصی و متخصصان حوزۀ آموزش افراد با آسیب بینایی است. در بیشتر کشور‌های پیشرفتۀ دنیا، آموزش افراد با آسیب بینایی از ابتدای کودکی تا همیشه، کاری علمی و تخصصی است و می‌بینیم که در مراکزی مانند مدرسۀ پِرکینز، هَدلی، فدراسیون ملی نابینایان آمریکا، خانۀ چاپ بریل آمریکا و...مرتب کارگاه‌ها و همایش‌های تخصصی با محوریت آموزش و توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی تشکیل و مطالعات و پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام می‌شود. آنها می‌کوشند از جدید‌ترین دستاوردهای علمی و فناوری و به‌روز‌ترین روش‌ها برای آموزش افراد با آسیب بینایی استفاده کنند، اما متأسفانه در کشور ما از این خبرها بسیار بسیار کم است و مدت‌های طولانی است که خبری از برگزاری همایش یا نشست یا کارگاه آموزشی تخصصی در زمینۀ آموزش افراد با آسیب بینایی نمی‌بینیم و نمی‌شنویم.

در گذشته‌های نسبتاً دور، استادانی از کشورمان به مطالعه و پژوهش در زمینۀ آموزش افراد با آسیب بینایی پرداخته بودند و دانشی عظیم در این زمینه کسب کرده بودند یا در دوره‌های آموزشی مراکز مرتبط با آسیب بینایی در کشور‌های دیگر مشارکت کرده بودند. این افراد به‌نوعی مرجع علمی محسوب می‌شدند و مربیان افراد با آسیب بینایی با شرکت در جلسات آموزشی این استادان یا مطالعۀ آثار مکتوب ایشان، می‌توانستند دانش ارزشمندی کسب کنند، اما متأسفانه روزها و سال‌های بسیاری از آن زمان گذشته و اکنون آن استادان، کمتر در دسترس هستند و از سویی با پیشرفت سریع دانش و فناوری، ضرورت و نیاز به به‌روز‌رسانی آن اطلاعات قدیمی، بیش‌از‌پیش، احساس می‌شود. افسوس که مشکلات یکی‌دو تا نیستند و ما نه‌تنها مسیر را رو‌به‌جلو نرفته‌ایم، بلکه مسیر زیادی را هم به عقب باز‌گشته‌ایم!

متأسفانه چندسالی است که آموزش معلمان متخصص کودکان با نیاز‌های ویژه از شکل تخصصی خارج شده و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در طول تحصیل در این دانشگاه، با هریک از گروه‌های کودکان با نیاز‌های ویژه، آشنایی مختصری پیدا می‌کنند و درواقع اقیانوسی از دانش به عمق یک سانتی‌متر در ذهنشان شکل می‌گیرد، درحالی‌که در گذشته، مربیان برای گروه خاصی مثل گروه با آسیب بینایی، شنوایی و...تربیت و با بیشتر نیاز‌ها و روش‌های آموزشی در آن گروه خاص آشنا می‌شدند و باقی کار نیز به پژوهش و کسب تجربۀ مربی سپرده می‌شد. امروز فقیر‌تر و نا‌امید‌تر از همیشه هستیم و باید تا فرصت است فکری کنیم؛ هر‌چند همین حالا هم برای چاره‌اندیشی دیر شده است!

ضروری است که متولیان آموزش و توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی، به‌ویژه سازمان آموزش و پرورش استثنایی و سازمان بهزیستی فعال‌تر شوند، به مطالعه و پژوهش در حوزۀ آموزش و توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی توجه بیشتری داشته باشند و به فکر برگزاری همایش‌ها و تشویق افراد به مطالعه و پژوهش در زمینۀ آموزش و توان‌بخشی گروه هدف باشند. وقت آن رسیده که دست از تعصب‌های بی‌اساس برداریم و نخواهیم در همه‌چیز خودکفا باشیم. بهتر است به دستاوردهای دیگر نقاط دنیا نیز توجهی داشته باشیم و از تجربیات سایرین هم استفاده کنیم. خودکفایی خوب و پسندیده است، اما در ابتدا باید به سطح مطلوبی از دانش برسیم. ساده و خودمانی بگوییم؛ آموزش افراد با آسیب بینایی کاری کاملاً تخصصی است و تنها در خط بریل خلاصه نمی‌شود؛ هر‌چند متأسفانه به دلیل دور ماندن بیش‌از‌پیش از روش‌های آموزشیِ به‌روز و فقر شدید مطالعات و اطلاعات، باور به ضرورت یادگیری خط بریل نیز در جامعه ما بسیار کم‌رنگ شده است و این در حالی است که در سایر نقاط جهان، بریل در شکل نوین خود، نقش بسیار مهمی در آموزش و زندگی افراد با آسیب بینایی بازی می‌کند! پس شایسته است زمان و هزینۀ بسیاری صرف آموزش و پژوهش در زمینۀ آموزش افراد با آسیب بینایی شود و این گروه از افراد نیز به حق طبیعی خود مبنی بر آموزش با‌کیفیت رایگان دست یابند.

## **یک دوست تازه**

**فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش استثنایی گیلان**

اصلاحیه

در شمارۀ گذشته جملۀ زیر در اشاره به اسکوتر آمده است، درحالی‌که منظور نگارنده «تراموا» بوده است:

از خیابان اعیان‌نشین بغداد می‌گذریم. در محلۀ «کاراکُی» می‌مانیم. تراموا از خیابان عبور می‌کند؛ تنها وسیله‌ای که در طول سفر، علی‌رغم اشتیاقم پیش نمی‌آید که سوار شوم. همین بس که هنگام عبور از عرض خیابان ریل‌هایش را با کف پایم لمس می‌کنم؛ هم‌سطح با زمین است.

صبح در خانۀ سارا از خواب بیدار می‌شوم. در اینجا در بهمن‌ماه آفتاب بعد از ساعت هشت صبح طلوع می‌کند. هنوز هوا تاریک بود که سروش به مدرسه رفت. او به یک مدرسۀ ایرانی می‌رود و در مسیر سوار اتوبوس و تراموا می‌شود. تمام شب‌هایی که در خانۀ سارا هستم، در رختخوابی نرم و سبک روی کاناپه کنار پنجره می‌خوابم. پنجره را که باز کنی، دستت می‌رود روی کف بالکن. تا حالا با چنین سبکی از معماری مواجه نبوده‌ام. معمولاً بالکن‌ها با اتاق هم‌سطح هستند و با یک در از هم جدا می‌شوند، اما در این خانه و شاید هم بعضی خانه‌های دیگر، کف بالکن و اتاق هم‌سطح نیستند و با پنجره از هم جدا می‌شوند. خانۀ سارا بالای یک رستوران عربی قرار دارد.

حدود ساعت نُه، بعد از خوردن صبحانه به سمت محل کار سارا حرکت می‌کنیم. در روزهای بعد درمی‌یابم که انگار در این شهر، روز در همین ساعت آغاز می‌شود. سوار مینی‌بوس‌هایی به نام «دُلموش» می‌شویم. دُلموش‌ها ون‌های زرد‌رنگی هستند که ظرفیت هشت مسافر را دارند که آنها را در مسیرهای شهری و مسیرهای کوتاه خارج از شهر همراهی می‌کنند. سارا استانبول‌کارت دارد. استانبول‌کارت کارتِ مخصوصی برای شهروندان و گردشگران است که با استفاده از آن می‌توانند از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کنند. استانبول‌کارت معلولان شارژ رایگان دارد. شما می‌توانید مشابه کارت مترو در ایران، این کارت را شارژ کنید. با استانبول‌کارت، هزینه‌های جابه‌جایی شما با وسایل نقلیۀ عمومی مانند اتوبوس، متروبوس، مترو و کشتی در شهر بین ۳۰ تا ۵۰درصد کمتر می‌شود.

متروبوس‌ها در استانبول شبیه به بی‌آر‌تی‌های خودمان است. در اینجا تمام وسایل حمل‌ونقل عمومی برای معلولان رایگان است، اما برای استفاده از وسایل خصوصی مانند دُلموش و تاکسی باید هزینه بپردازیم.

 محل کار سارا یک سالن زیبایی است که در ساختمان بلندی در دامنۀ کوهی، در محلۀ «ماسلاک» قرار دارد. سالن دو در ورودی دارد و اگر از یک در وارد آسانسور شوی، طبقۀ هشت و اگر از در دیگر وارد شوی، طبقۀ منفی2 ما را به واحد موردنظر می‌رساند. سالن بزرگ و روشن است و صندلی‌های مخصوص پیرایش خانم‌ها و آقایان در دو طرف طول آن قرار دارد. در این سفر با هرچه مواجه می‌شوم، به فکر فرومی‌روم. دو صفحۀ نمایشگر در دو سوی سالن قرار دارد. از چند بلندگو که در سقف سالن کار گذاشته‌اند، صدای آرام موسیقی می‌آید. سمیرا همکار سارا با قهوه و بیسکویت از من پذیرایی می‌کند و بعد باهم به تراس می‌رویم. هوا سرد است. برج‌های ترامپ در دوردست پیداست.

دوست دیگرم، لیلا، خبر می‌دهد که از کانادا وارد استانبول شده است و خانواده‌اش هم از ایران رسیده‌اند. آنها در فرودگاه می‌مانند و از طریق اینترنت، خانه‌ای را در نزدیکی میدان تکسیم اجاره می‌کنند؛ جایی که با خانۀ سارا چند دقیقه پیاده‌روی فاصله دارد. خانه بزرگ است و اتفاقاً آن را از یک خانم ایرانی اجاره کرده‌اند.

برای یکی از افراد نابینای تأثیرگذار استانبول در واتس‌آپ پیامی می‌گذارم. عصر با من تماس می‌گیرد. خودم را معرفی می‌کنم و می‌گویم که توسط یکی از دوستان ایرانی با او آشنا هستم. او هم خودش را معرفی می‌کند. دکتر صلاح‌الدین آیدین، استادیار دانشگاه کِنت استانبول، که روان‌شناسی اجتماعی، رشد و شخصیت را درس می‌دهد.

دانشگاه کِنت استانبول دانشگاهی خصوصی است که در سال 2016م توسط بنیاد آموزش بدون مانع، در منطقۀ جیهانگیر استانبول تأسیس شد. هدف دانشگاه تربیت دانشجویانی است که بتوانند با اعتماد‌به‌نفس و مهارت بالای خود در زمینه‌های ملی و بین‌المللی، در عرصۀ جهانی رقابت کنند. او همچنین در شرکتی به فعالیت مشغول است که در آن ضمن تولید عصا برای افراد نابینا و ویلچر برای افراد دارای معلولیت حرکتی، بسیاری از اقلام مورد‌نیاز معلولان را مانند انواع بازی‌های مربوط به افراد نابینا، شطرنج، لوح و قلم، انواع ذره‌بین، انواع چاپگر و صفحه‌نمایش بریل به‌همراه خدمات پشتیبانی و ده‌ها محصول دیگر به مشتریان عرضه می‌کنند. دکتر آیدین برای حضور در نمایشگاه‌های مختلف جهانی و نیز ارائۀ مقاله‌هایش به کشورهای متعددی مانند چین، روسیه، ایالات‌متحدۀ آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه، نروژ، بلغارستان، مجارستان، قزاقستان، ازبکستان و...سفر کرده، اما تاکنون به ایران نیامده است. با خود فکر می‌کنم اگر نابینایی برایش محدودیت‌هایی را به همراه داشته است، دست‌کم برای سفر به بسیاری از کشورها می‌تواند به اعتبار کشورش، به‌راحتی، ویزا بگیرد. همسر دکتر هم نابیناست. آنها دو فرزند دارند که فرزند اولشان دانشجوی رشتۀ دندان‌پزشکی است.

دکتر صلاح‌الدین آیدین را در کافه بِلتور ، در مجیدیه کُی ملاقات می‌کنم. اینترنت موبایلش را در اختیار من می‌گذارد تا هر وقت نیاز بود برای بیان منظورمان بتوانم از فرهنگ لغت استفاده کنم. با کمی استرس به او اعلام می‌کنم که به دست‌شویی احتیاج دارم. او هم با بلند کردن دست، پیش‌خدمتی را احضار می‌کند. کاپ مخصوص را از کیفم برمی‌دارم و همراه خانم پیش‌خدمت به دستشویی می‌روم.

در کافه مکعب روبیکی را که مناسب‌سازی کرده‌ام به دکتر آیدین نشان می‌دهم، علی‌رغم تصورم به این مکعب علاقه‌ای ندارد و بیشتر توجهش به روبیک ماری که می‌شود با آن شکل‌های متفاوتی ساخت جلب می‌شود. با‌اینکه تک‌تک روبیک‌هایم را خیلی دوست دارم، تصمیم می‌گیرم روبیک ماری‌ام را به یادگار تقدیم او کنم. روبیک را با آجیل سنتی شهر رشت که برایشان سوغات آورده‌ام، به دکتر آیدین می‌دهم.

متوجه می‌شوم زمانی که در پیاده‌رو باهم راه می‌رویم، عصاهایمان به هم برخورد نمی‌کند. او توضیح می‌دهد که هر دو دستش به یک اندازه برای مهارت استفاده از عصا تقویت شده است. من هم از همان روز تصمیم می‌گیرم در برخی موارد عصازدن با دست چپ را هم تقویت کنم.

در جایی دیگر، در خیابان نِشان‌تاشی، صدای دلپذیر آهنگی توجه ما را به خود جلب می‌کند. به آن‌سوی خیابان می‌رویم. وارد فضایی می‌شویم که صدا از آنجا می‌آید. متوجه می‌شویم که آنجا داروخانه است و صدای پیانو از یک دستگاه با‌کیفیت در حال پخش است.

آن روز غروب با آقای دکتر به محل کار سارا می‌رویم. بارها پیش می‌آید که او نقشه را روی موبایل چک می‌کند. سرعت خوب اینترنت باعث می‌شود به اطلاعات نقشه اعتماد کنیم. همان وقت زنگ موبایلش به صدا در‌می‌آید. یاد دوست نابینای دیگری می‌افتم که زنگ موبایلش را روی طلوع و غروب خورشید تنظیم کرده است؛ او تنها زندگی می‌کند و قادر به درک نور هم نیست؛ بنابراین وقتی گوشی همراهش غروب آفتاب را هشدار می‌دهد، چراغی را در خانه روشن می‌کند و وقتی گوشی خبر از طلوع خورشید می‌دهد، چراغ را خاموش می‌کند.

در سالن با فلوت برای افراد حاضر، آهنگ هایدی سویلِه را می‌نوازم. در طول سفر بازهم پیش می‌آید که کنج کافه‌ای، درحالی‌که با دوستان منتظر آماده شدن سفارشمان هستیم، این قطعه را می‌نوازم که حاضران بومی را به شوق می‌آورد.

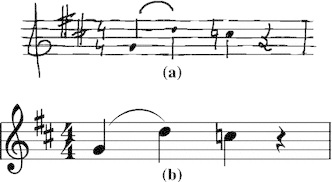
سارا و من در یکی از ایستگاه‌ها از مترو پیاده می‌شویم و آقای دکتر راهش را به سمت منطقۀ آسیایی ادامه می‌دهد. او از من می‌خواهد در طول سفر سری به شرکت بزنم، اما زلزله می‌آید و فضای کاری آنها را دچار التهاب می‌کند؛ بنابراین با ورود مجازی به این شرکت و همچنین استفاده از گزینۀ تِرنسلیت و انتخاب زبان فارسی، از طریق لینک زیر با محصولات و خدمات آن آشنا می‌شوم.

Beyid.com.tr

ادامه دارد...

## **آشنایی با او‌ام‌آر و کاربرد آن برای نابینایان**

**مترجم: مثیم امینی**

موسیقی از گذشته بین نابینایان از محبوبیت بسیاری داشته است و بسیاری از نابینایان موسیقی را به‌عنوان شغل، زمینۀ تحصیلی یا سرگرمی خود انتخاب کرده و می‌کنند. با وجود محبوبیت بالای موسیقی بین نابینایان، در گذشته برای مطالعۀ اصولی موسیقی موانعی پیش راه نابینایان بود که یکی از مهم‌ترین این موانع، به‌خصوص برای نابینایان ایرانی، عدم دسترسی به نت‌های موسیقی بریل بود، اما خوشبختانه در سال‌های اخیر با پیشرفت فناوری این مانع نیز کم و بیش از سر راه نابینایان علاقه‌مند به موسیقی برداشته شده است و می‌توان گفت «فناوری اُو‌اِم‌آر» بزرگ‌ترین سهم را در رفع این مانع دارد.

شما حتماً تابه‌حال عبارت «اُو‌سی‌آر» را شنیده‌اید و می‌دانید که این فناوری امکان تبدیل متون چاپی را به متون الکترونیکی فراهم می‌کند و به‌خصوص برای کاربران نابینا کاربردی است. در این شماره از نسل مانا در ستون فناوری می‌خواهیم با یک فناوری نسبتاً مشابه به نام «او‌ام‌آر» آشنا شویم که امکان تبدیل نت‌های موسیقی چاپی را به نت‌های دیجیتالی فراهم می‌کند. بعد هم به معرفی چند برنامه در این زمینه می‌پردازیم.

با فناوری او‌ام‌آر، رایانه می‌تواند نت‌های موسیقی چاپی اسکن‌شده را بخواند و آنها را به داده‌های دیجیتالی تبدیل کند. او‌ام‌آر یک فناوری عمومی است و مخصوص نابینایان نیست، ولی مثل او‌سی‌آر برای افراد نابینا، به‌خصوص دانش‌آموزان رشتۀ موسیقی و موسیقی‌دانان بسیار کاربردی است. این فناوری با تبدیل نت‌های چاپی به نسخۀ دیجیتالی امکانات متعددی شامل پخش موسیقی نوشته‌شده، خواندن نت‌های موسیقی در رایانه با برنامه‌های ویژۀ این کار، ویرایش نت‌ها، چاپ نت‌ها به خط بریل و...را در اختیار کاربران نابینا می‌گذارد.

فناوری او‌ام‌آر برای اولین بار در دهۀ شصت میلادی، وقتی دستگاه‌های اسکنر در دسترس عموم قرار گرفت، در دانشگاه فناوری میشیگان شروع شد. بعداً در دهۀ هشتاد میلادی گروهی از دانشجویان دانشگاه واسِدا، در ژاپن یک سامانۀ او‌ام‌آر را به نمایش گذاشتند که به یک روبات متصل بود که می‌توانست نت‌های موسیقی چاپی را بخواند و با زدن کلیدهای پیانو آنها را اجرا کند.

امروزه علاقۀ بسیاری نسبت به او‌ام‌آر وجود دارد، زیرا این فناوری می‌تواند در دیجیتالی‌کردن حجم عظیمی از نت‌های موسیقی که از قرن هفدهم میلادی تاکنون چاپ شده است به ما کمک کند. فناوری او‌ام‌آر هنوز در حال گسترش است، ولی هدف این فناوری هنوز همانی است که در ابتدای کار موردنظر سازندگان آن بود، یعنی رمزگشایی و تفسیر سریع‌تر و دقیق‌تر علامت‌های نت‌نویسی موسیقی از تصاویر اسکن‌شده.

یکی از برنامه‌هایی که از امکان او‌ام‌آر بهره‌مند است برنامۀ رایگان، منبع‌باز و دسترس‌پذیر [میوزاِسکُور](https://musescore.org/) است. این برنامه که برای سیستم‌عامل‌های ویندوز، مک‌او‌اس و لینوکس ارائه شده است از ورودی‌ها و قالب‌های متعددی پشتیبانی می‌کند. این برنامه امکانات مختلفی از قبیل پخش و ویرایش پرونده‌های نت موسیقی مثل میدی، میوزیک‌اِکس‌اِم‌اِل و سایر قالب‌های پراستفاده برای نت‌های موسیقی را دارد. همچنین این برنامه می‌تواند نت‌های موسیقی را به قالب‌های دیگر نت موسیقی یا به پروندۀ صوتی تبدیل کند.

علاوه بر این امکانات، این برنامه می‌تواند با استفاده از فناوری او‌ام‌آر پرونده‌های پی‌دی‌اِف حاوی تصاویر اسکن‌شده از نت‌های موسیقی چاپی را به یک پروندۀ نت موسیقی دیجیتالی تبدیل کند که می‌توان گفت این یکی از مهم‌ترین امکانات این برنامه برای افراد نابینا است. برای تبدیل تصاویر نت‌های موسیقی چاپی به پروندۀ دیجیتالی میوزاسکور از یک واسط کاربری برنامۀ برخط و منبع‌باز استفاده می‌کند که باعث می‌شود برای انجام تبدیل به اینترنت نیاز داشته باشید.

این برنامه برای صفحه‌خوان اِن‌وی‌دی‌اِی دسترس‌پذیر شده است و کاربران می‌توانند با نصب اسکریپت‌های لازم با صفحه‌خوان جاز و صفحه‌خوان لینوکسی اُورکا نیز با این برنامه کار کنند.

میوزاسکور یک برنامه هم برای تلفن‌های همراه دارای سیستم‌عامل‌های اندروید و آی‌او‌اس دارد که فقط امکان پخش نت‌های موسیقی را فراهم می‌کند و امکان ویرایش نت‌ها و سایر امکانات نسخه رایانه را ندارد.

برنامه [پلِی‌اِسکُور تو شیت میوزیک](https://www.playscore.co/) یک برنامۀ دیگر است که از فناوری او‌ام‌آر پشتیبانی می‌کند. این برنامه که رایگان نیست برای اندروید، آی‌او‌اس و ویندوز ارائه شده است. همان‌گونه که از نام آن مشخص است، این برنامه به‌طور ویژه برای اسکن نت‌های موسیقی چاپی و تبدیل آنها به نت‌‌های دیجیتالی طراحی شده است. بعد از اسکن نت‌های موسیقی با دوربین تلفن همراه یا باز کردن یک پروندۀ پی‌دی‌اف حاوی تصاویر اسکن‌شده از نت‌های موسیقی، برنامه این تصاویر را با استفاده از جدیدترین تحولات در فناوری او‌ام‌آر به نت‌های دیجیتالی تبدیل می‌کند. بعد از آن کاربر می‌تواند به موسیقی نوشته‌شده گوش کند یا آن را با قالب میوزیک‌اکس‌ام‌ال یا به‌صورت میدی استخراج کند.

برنامۀ پلی‌اسکور تو شیت میوزیک از انواع سیستم‌های نت‌نویسی مثل نت‌نویسی پیانو و نت‌نویسی موسیقی مجلسی پشتیبانی می‌کند. همچنین می‌توانید برای پخش نت‌های موسیقی تبدیل‌شده از بین آلت‌های موسیقی مجازی با کیفیتی که برنامه به شما ارائه می‌دهد، آلت‌های موسیقی موردعلاقۀ خود را انتخاب کنید. این برنامه امکانات مختلف دیگری را هم دارد که برای یک دانش‌آموز موسیقی یا موسیقی‌دان مفید است و با کار با برنامه می‌توانید با آنها آشنا شوید.

برنامۀ دیگری که هرچند از فناوری او‌ام‌آر پشتیبانی نمی‌کند، ولی معرفی آن لازم به‌نظر می‌رسد، برنامه [وایت‌نت](https://www.white-note.com/) است. این برنامه که توسط برنامه‌نویسان ایرانی طراحی شده، یک برنامۀ تحت وب رایگان است که با استفاده از آن می‌توانند پرونده‌های اکس‌ام‌ال و میوزیک‌اکس‌ام‌الی را که بعد از تبدیل نت‌های موسیقی اسکن‌شده، از برنامه‌های او‌ام‌آر مثل میوزاسکور و پلی‌اسکور تو شیت میوزیک استخراج یا از اینترنت دریافت ‌کنند و با استفاده از موتور صوتی بخوانند. مزیت این روش خواندن موسیقی نسبت به بریل در دسترس بودن، رایگان بودن و راحتی بیشتر آن است.

درنهایت بد نیست برای تکمیل مطلب با سرویس [برِیل‌میوز](https://www.braillemuse.net/braille_music_score/en2/index.html) آشنا شویم. این سرویس رایگان برخط پرونده‌های میوزیک‌اکس‌ام‌ال را دریافت و آن را به نت‌های موسیقی بریل تبدیل می‌کند. خروجی این برنامه یک پرونده است که می‌توانید آن را با چاپگرهای بریل چاپ کنید یا با برجسته‌نگار بخوانید.

شما می‌توانید پرونده‌های میوزیک‌اکس‌ام‌ال را برای آثار معروف و قدیمی در اینترنت پیدا یا نت‌های موسیقی چاپی را با استفاده از برنامه‌های میوزاسکور یا پلی‌اسکور تو شیت میوزیک به پروندۀ میوزیک‌اکس‌ام‌ال تبدیل کنید و سپس پرونده‌ای را که دریافت یا تبدیل کرده‌اید، با این سرویس به نت‌های بریل تبدیل و از آن استفاده کنید.

## **نگاهی به پدیدۀ رد دسته‌جمعی نابینایان پذیرفته‌شده در آزمون استخدامی آموزش‌ و پرورش**

**رؤیا بابایی: خبرنگار حوزۀ معلولان**

اقدام وزارت آموزش ‌و پرورش در رد گستردۀ نابینایان پذیرفته‌شده در آزمون استخدامی این وزارتخانه بی‌عدالتی بزرگی بود که اخیراً صورت گرفت؛ اقدامی که علاوه بر تبعیض علیه نابینایان، توانمندی آنها را که تحصیل‌کرده‌ترین طیف در میان انواع معلولیت‌ها هستند، زیر سؤال برد و سرنوشت بسیاری از نابینایان را دچار تغییر و چالش کرد‌.

روی دیگر این سکه این است که این وزارتخانه از سویی با قید پذیرش معلول در دفترچۀ آزمون استخدامی تبعیت خویش را از اجرای سهم ۳درصد استخدام معلولان اعلام می‌‌کند و از سوی دیگر با رد صلاحیت پذیرفته‌شدگان، قانون را دور می‌زند و علاوه‌بر آن دلیل عامه‌پسندی برای دور زدن قانون پیدا و در محکمه با توسل به این دلیل که نابینایی علت نپذیرفتن افراد بوده است، خود را تبرئه می‌کند‌!

فارغ از نگاه حقوقی به مسئله، این اقدام انسانی نیست. این رفتار از وزارت آموزش‌ و پرورش که رسالت آموختن و روشنگری آحاد جامعه را بر دوش دارد و وظیفه دارد قانون‌مداری، عدالت و انسانیت را به جامعه بیاموزد، اصلاً زیبنده نیست.

### **رد گروهی نابینایان**

مدیرعامل شبکۀ تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان چاوش در گفتگو با خبرنگار نسل مانا درباره جزئیات نپذیرفتن نابینایان در آموزش و پرورش گفت: اخیراً تعداد زیادی از افراد نابینا که در آزمون استخدامی آموزش و پرورش قبول شده بودند، در مرحلۀ بعدی رد شدند‌.

سهیل معینی افزود: بعد از رد جمعی نابینایان به وزارتخانه اعتراض کردیم و گفتیم دست‌کم در پست‌های مربوط به جذب در آموزش و پرورش استثنایی نباید این اتفاق صورت می‌گرفت‌. ما قبول داریم که برخی از افراد نابینا ممکن است توانایی کافی را نداشته باشند، اما این‌گونه نیست که همۀ آنها شرایط و توانایی لازم را نداشته باشند‌؛ بنابراین فرد نابینا فقط باید با توجه به توانمندی‌هایش‌ سنجش شود‌.

### **عدم‌پذیرش به دلیل نابینایی‌**

سهیل معینی بیان کرد‌: به دنبال رد گستردۀ نابینایان مسئله را پیگیری کردیم‌ و متوجه شدیم‌ برای‌ رد این افراد‌ یک دلیل محوری اعلام شده است و آن این بود که در تمام کمیسیون‌های پزشکی به افراد گفته بودند به‌صرف نابینایی پذیرش‌ نمی‌شوید و اصلاً به مباحثی مانند توانمندی و مهارت افراد توجه نشده بود‌.

او افزود: پیگیری‌های بعدی نشان داد‌‌ نابینایان حتی برای پست‌هایی مانند آموزگار استثنایی هم رد شده‌اند و خبرها حاکی از شیوۀ برخورد غیر‌حقوقی و غیر‌اخلاقی با آنها بود، یعنی افراد نابینا صرف‌نظر از پذیرفته نشدن، تحقیر شده و اهانت دیده بودند.

مدیرعامل انجمن باور ادامه داد: هر دو موضوع برای ما اهمیت داشت و در‌نهایت در ادامۀ پیگیری‌ها موفق به طرح مسئله با شخص وزیر آموزش و پرورش شدیم‌.

معینی توضیح داد: دلایل وزارتخانه این بود که سهمیۀ هزار نفر جذب برای آموزش و پرورش استثنایی در حوزۀ معلولان هنوز عملی نشده است که ما‌ گفتیم فعلاً بهتر است روی موضوع جذب آموزگار ابتدایی استثنایی که عملی شده، بحث کنیم تا مشکلات این زمینه رفع شود‌.

وی همچنین بیان کرد: در برخی شهرها یک فرد کم‌بینا‌ را رد و در جای دیگری فرد کم‌بینا را پذیرفته بودند و این نشان می‌دهد آموزش و پرورش برای نپذیرفتن نابینایان،‌ حتی وحدت رَویه هم نداشته‌ است‌.

### **یک گام به جلو**

این فعال حوزۀ معلولان کشور گفت: با پیگیری ما و اطلاع به وزیر، وزارتخانه پذیرفت که نابینایان‌ را در این مرحله به‌صرف نابینایی رد نکند، بلکه آنها را به مرحلۀ دیگری از مصاحبه بفرستد.

معینی توضیح داد: وزارتخانه یک‌ دستورالعمل را به‌صورت ویدئو‌کنفرانس به استان‌ها اعلام کرد و گفت که همۀ استان‌ها باید‌ نابینایانی‌ را که در مرحلۀ اول به‌صرف نابینایی رد کرده‌اند، به مصاحبۀ مجدد دعوت کنند؛ به این منظور که توانایی همۀ افراد رد‌شده در کمیسیون اول، در کمیسیون دوم احراز و‌ تعیین شود‌.

وی افزود: بعد از تصمیم‌گیری برای دعوت دوباره از نابینایان و شرکت در کمیسیون، استان اصفهان این اقدام را انجام داد و در تهران هم از ۲۷ نفر، ۲۶ نفر به مصاحبۀ دوم دعوت شدند‌.

### **مصاحبۀ مجدد به معنای استخدام نیست**

معینی ابراز داشت: اقناع وزارتخانه برای دعوت مجدد از نابینایان پذیرفته‌شده در آزمون استخدامی آموزش و پرورش، یک‌قدم به عقب راندن‌ وزارتخانه بود، اما نباید این‌گونه تعبیر شود که دعوت دوباره به مصاحبه مساوی با جذب و استخدام قطعی است‌.

وی با اشاره به اینکه وزارتخانه بر جذب‌نکردن نابینایان پافشاری می‌کند، دعوت دوباره به مصاحبه را دستاورد مهمی دانست و اذعان کرد: در همین مرحله هم اگر تعدادی از نابینایان بتوانند از سد مصاحبه عبور کنند و استخدام شوند؛ همین‌که ما توانسته باشیم از حذف و رد صد‌درصدی پذیرفته‌شدگان نابینا پیشگیری کنیم بَرنده‌ایم‌.

### کمبود نیرو علت عدم جذب معلولان‌

معینی گفت: یکی از دلایلی که آموزش و پرورش برای نپذیرفتن معلولان و نابینایان می‌آورد، این است که چون امکان‌ جذب نیرو محدود است، این سازمان می‌خواهد از یک نیرو به‌تناسب نیاز خود در جایگاه‌های مختلف استفاده کند؛ یک روز نیرو را به مدرسۀ استثنایی بفرستد و در مقطع دیگری به مدارس عادی و در شرایط دیگری به جایگاه‌های دیگر.

وی يادآور شد: این دلیل‌ به‌خاطر هم‌خوانی با مقدورات کنونی آموزش و پرورش درست است، اما‌ می‌توان آن را به دلیل مخدوش کردن جذب نیروی تخصصی نادرست دانست.

معینی تأکید کرد: در شرایط درست، آموزش و پرورش باید نیروی تخصصی بگیرد و وقتی کسی برای آموزش و پرورش استثنایی جذب می‌شود، جابه‌جایی او کار نادرستی است و امکان آموزش تخصصی را از بین می‌برد.

وی خاطرنشان کرد: آموزگار ناشنوایان، نابینایان، طیف اُتیسم، معلولان کم‌توان ذهنی و...‌باید به‌صورت تخصصی فقط این گروه‌ها را آموزش دهد و هرسال مهارت‌های مورد‌نیاز گروه‌ هدف را در خود تقویت کند و استفاده از نیروها به دلیل کمبود نیرو، علمی نیست‌.

### **تغییر نمایندۀ بهزیستی**

معینی همچنین از تغییر نمایندۀ سازمان بهزیستی در کمیسیون‌ها خبر داد و گفت: این تغییر به درخواست ما صورت گرفت، چون نمایندۀ قبلی از نابینایان دفاع نکرده بود و این بار نماینده‌ای به کمیسیون‌ فرستاده شد‌ که خود نابیناست و فضای جلسات با این اقدام‌ تغییر کرد.

این فعال حوزۀ معلولان همچنین بیان کرد: البته‌ به ما خبر داده‌اند که متأسفانه در برخی استان‌ها مانند گلستان، چهارمحال‌و‌بختیاری و کردستان، حتی نمایندۀ بهزیستی به جلسۀ دوم‌ هم دعوت نشده‌ است که در حال پیگیری این مسئله هستیم‌.

### **لزوم تصمیم‌گیری تخصصی**

معینی ابراز داشت: حتی اگر قرار است افراد نابینا صرفاً به دلیل نابینایی از پذیرش در دستگاه‌ها رد شوند، این تصمیم باید‌ در کمیسیونی که نمایندگان بهزیستی و گروه هدف در آن حضور دارند‌ اتخاذ شود. یعنی در وزارت آموزش و پرورش کمیسیونی تخصصی باید معیارهای جذب افراد دارای معلولیت در پست‌های مختلف را  مشخص کند؛ نه‌اینکه افراد سلیقه‌ای نظر بدهند، بدون اینکه معیارها و دلایل عدم احراز مشاغل برای نابینایان مشخص شده باشد‌.

رئیس هیئت‌مدیره انجمن باور اضافه کرد: دلیل عدم احراز یک پست توسط یک نابینا باید توضیح داده شود و معیارها تعیین‌ کنند که اگر یک نا‌بینا نمی‌تواند پستی را احراز کند، آیا افراد کم‌بینا هم نمی‌توانند؟ آیا نابینایان دیگر با مهارت‌های ویژه‌تر هم نمی‌توانند؟ این کمیسیون‌ باید بگوید افراد با چه میزان توانایی قادر به احراز جایگاه‌های شغلی هستند.

به گفتۀ معینی معیارها باید بر اساس عوامل توان‌بخشی و به‌صورت تخصصی تبیین شود تا سلیقۀ افراد اعمال نشود.

### **تخلف در کمیسیون‌ها**

معینی با بیان این مطلب که در رد نابینایان تخلفاتی هم صورت گرفته بود، اظهار داشت: در بسیاری از شهرها ازجمله تهران‌ کمیسیون‌های مربوط به پذیرش نابینایان بدون حضور نمایندۀ بهزیستی تشکیل شده بود‌‌، در‌حالی‌که طبق شیوه‌نامۀ خود آموزش و پرورش، حضور نمایندۀ بهزیستی در این کمیسیون‌ها الزامی است.

وی افزود: دو هفته پیگیر این مسئله بودیم‌. سازمان بهزیستی می‌گفت ما به کميسيون دعوت نشدیم و آموزش و پرورش می‌گفت ما بهزیستی را دعوت کرده‌ایم‌؛ درنهایت متوجه شدیم‌ نامۀ آموزش و پرورش در سیستم دولتی ثبت نشده و درنتیجه بهزیستی هم آگاه نبوده‌ است. بعد آنها را راهنمایی کردیم که آموزش و پرورش باید نامه را به کدام بخش از سازمان بهزیستی ارسال کند.

### **دفاع سازمان امور استخدامی**

معینی خاطرنشان کرد: در دفترچۀ آزمون استخدامی برای پست آموزگار استثنایی، سهمیۀ معلولان قید شده بود و طبیعتاً افراد نابینا هم در آن شرکت کردند‌. پس از قبولی نابینایان، وزارتخانه گفت فرد نابینا در این پست نمی‌تواند جذب شود، ولی باقی انواع معلولیت می‌توانند، درحالی‌که این نکته در دفترچه اصلاً قید نشده بود‌. وی افزود: دفاع سازمان امور استخدامی از عدم قید نوع معلولیت برای پست‌های مختلف‌ این بود که ما‌ بر اساس حکم دیوان نمی‌توانیم در دفترچه بگوییم که کدام گروه معلولیت در این پست می‌تواند استخدام شود و کدام نوع معلولیت نمی‌تواند.

این فعال حوزۀ معلولان این پاسخ سازمان امور استخدامی را چالش خواند و گفت: باید روی این مسئله کار کرد، چون در برخی پست‌ها توانمندی جسمیِ خاصی مورد‌نیاز است و باید در دفترچه قید شود‌ تا افراد با علم به توانمندی مورد‌نیاز دستگاه‌ها در آزمون‌ها شرکت کنند‌.

### **پیگیری اهانت‌ها**

مدیرعامل شبکه تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان اذعان کرد: موضوع مهم بعدی رفتار منفی با نابینایان و توهین به آنان در کمیسیون‌ها بود. وزارتخانه منکر این اتفاق شد، اما شاهدان عینیِ برخورد نامناسب و ادبیات نا‌موجه کمیسیون‌ها و همچنین رَویۀ استان‌هایی مانند اصفهان که چهارده نفر از افراد نابینا را با شیوۀ برخورد نامناسب رد کردند، به‌عنوان گواه این موضوع معرفی شدند.

### **اجرای درست سهمیۀ استخدام معلولان**

معینی اظهار داشت: بحث بعدی این است که سهمیۀ ۳درصد استخدام معلولان به چه شکل اجرا شود که هم حقوق افراد معلولان رعایت شود و هم افرادی جذب شوند که توانمندی اجرای آن پست را داشته باشند‌.

وی تشکیل کمیسیون‌های تخصصی و تدوین ضوابط جذب معلولان در هر پست را دو اقدام مهمی خواند که باید صورت گیرد تا بخش عمده‌ای از مشکلات اجرای سهم ۳درصد هم برای معلولان هم برای دستگاه‌ها رفع شود‌.

### **لزوم ارزیابی**

وی گفت: واقعیت این است که گاه افرادی در این سهمیه جذب شده‌اند که واقعاً برای احراز آن جایگاه توانمند نیستند یا توانمندی کافی را ندارند. ما اگر مدافع حقوق معلولان هستیم، باید مدافع حقوق دانش‌آموزان دارای معلولیت هم باشیم و بپذیریم‌ که برای آموزش دانش‌آموزان معلول باید از نیروهای آموزشی خوب و کاربلد بهره برد تا آنها توانمند تربیت شوند.

به گفتۀ معینی یکی از چالش‌ها در آموزش و پرورش استثنایی این است که این سازمان می‌گوید من دیگر نمی‌خواهم نیروی دارای معلولیت جذب کنم‌؛ برای اینکه از نیروی معلول اشباعم‌‌ و آموزش و پرورش در تمام سال‌های گذشته هر نیروی دارای معلولیتی را که جذب کرده، به آموزش استثنایی‌ فرستاده است و ما اکنون به افراد غیرمعلول نیاز داریم‌.

وی تأکید کرد: بنابراین ما نباید هر فرد دارای معلولیت را با تکیه به سهمیه ۳درصد استخدام‌ معلولان وارد آموزش و پرورش یا هر دستگاه دیگری کنیم،‌ درحالی‌که آن فرد در مقام عمل توانمندی نداشته باشد‌، بلکه باید در این خصوص فیلتذ صورت گیرد و کمیسیون‌هایی باید توانایی افراد را ارزیابی کنند‌.

### **خواسته‌های کوتاه‌مدت‌**

مدیرعامل شبکۀ تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان چاووش گفت: تلاش می‌کنیم تا نابینایان‌ به‌صرف نابینایی از جذب در همۀ دستگاه‌ها محروم نشوند و در همۀ استان‌ها برای تشخیص توانایی آنها بررسی‌های عمیق‌تری صورت گیرد‌. معینی تأکید کرد: وزارتخانه و همۀ دستگاه‌ها باید بپذیرند که حتی عدم‌پذیرش نابینایان هم‌ باید با برخوردهای شایسته و صحیح همراه شود، هیچ فردی حق اهانت به آنها را ندارد و توهین‌کنندگان باید مورد پیگرد قرار گیرند‌.

مدیرعامل انجمن باور افزود: تشکیل کمیسیون تخصصی برای تدوین ضوابط جذب در پست‌های مختلف، مطالبۀ جدی ماست تا در سال‌های بعد شاهد اقدام سلیقه‌ای نباشیم‌. وی گفت: سازمان امور استخدامی در پذیرش معلولان برای مشاغل، نوع معلولیت را قید کند تا گروه‌های معلولین‌ با علم و آگاهانه در آزمون شرکت کنند.

این فعال حوزۀ معلولان همچنین تأکید کرد: سازمان‌ بهزیستی باید بداند گماردن‌ تنها دو نفر برای پیگیری سهم ۳درصد کافی نیست و این مسئله این‌قدر مهم است که باید برایش کارگروه تخصصی تشکیل شود؛ نه آنکه همین معدود افراد صاحب تجربۀ چندساله در این زمینه را انتقال دهند یا با سپردن مسئولیت‌های دیگر موجب سلب تمرکز و اتلاف تجربۀ چندین‌سالۀ آنها شوند‌.

### **رد نابینایان‌ به دلیل نابینایی خلاف است**

مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان رد نابینایان به دلیل نابینایی را خلاف قانون دانست‌. محمدرضا ابراهیمی گفت: اگر نابینایی ملاک نپذیرفتن افراد نابینا در آموزش و پرورش باشد، این خلاف مصوبات‌ است و وجاهت ندارد؛ مگر آنکه عوامل دیگری در این تشخیص دخیل باشد‌. ابراهیمی رد نابینایان به دلیل نابینایی را مربوط به دور اول مصاحبه با آنها دانست و افزود: این مسئله در مرحلۀ دوم مصاحبه و دعوت آنها به کمیسیون مجدد اصلاح شد‌.

وی ادامه داد: قرار نبود افراد به دلیل نابینایی از پذیرش در آموزش و پرورش محروم شوند‌ و ممکن است دلایل کمیسیون پزشکی موارد دیگری، جز نابینایی بوده باشد‌.

این مسئول همچنین خبر رد نابینایان در کمیسیون دوم را نپذیرفت و افزود: اگر چنین اتفاقی رخ داده است، من موضوع را پیگیری خواهم کرد و همچنین از همراهی نمایندۀ این گروه نیز استقبال می‌کنم‌.

ابراهیمی بیان کرد: من نابینایان را افرادی توانمند و با قدرت تشخیص بالا می‌دانم و در مجموعۀ خودم، حتی فرد نابینایی است که مدیریت مدرسه‌ای را بر عهده دارد. او گفت: آموزش ابتدایی عادی خاص است‌ و مثلاً اگر کسی لکنت‌زبان داشته باشد، برای دبیری می‌تواند پذیرفته شود، اما برای آموزگاری، چون بحث پایۀ دانش‌آموزان و خواندن و نوشتن آنها مطرح است، این امکان وجود ندارد‌.

### **مصاحبه‌های صوری**

با‌اینکه مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان نپذیرفتن نابینایان به علت نابینایی را رد کرد، اما یکی از نابینایان پذیرفته‌شده در آزمون استخدامی آموزش و پرورش گفت: همۀ سیزده‌نفری که به مصاحبۀ مرحلۀ اول دعوت شده بودیم، دسته‌جمعی رد شدیم‌ و فقط افراد دارای بینایی متوسط و رو‌به‌بالا پذیرش شدند. به ما گفتند که چون نابینای مطلق هستیم، نمی‌توانند ما را بپذیرند. رحیمی که برای پست آموزگاری استثنایی در آزمون اخیر پذیرفته شده، اما جذب نشده است، با بیان اینکه نمایندگان بهزیستی به‌جای دفاع از ما جلسه را ترک کردند، افزود: در مرحلۀ اول کمیسیون پزشکی که با حضور چند پزشک تشکیل شده بود، پرسش‌هایی مانند چگونگی مواجهه با دانش‌آموز بدخط یا شیوۀ تصحیح املای دانش‌آموز از من پرسیده شد که هیچ‌یک منشأ پزشکی نداشت.

او ادامه داد: هشتم مردادماه ما به کميسيون پزشکی دوم دعوت شدیم. این ‌بار در کمیسیون هیچ پزشکی حضور نداشت و فقط مسئول منابع انسانی آموزش و پرورش، رئیس آموزش استثنایی و دو نماینده از بهزیستی حضور داشتند. در جلسۀ دوم از من خواستند تدریس کنم‌. من سابقۀ تدریس دارم، اما سؤالم این است که اگر ماهیت کمیسیون، پزشکی است، چرا از من تدریس خواسته می‌شود‌. تدریس باید در جریان مصاحبه صورت بگیرد تا دانش و تسلط فرد سنجیده شود‌.  این جوان نابینای اصفهانی همچنین با گله‌مندی از رفتار نادرست افراد در کمیسیون دوم، گفت: صندلی‌ها را جابه‌جا کردند و از من خواستند صندلی خودم را از میان آنها پیدا کنم یا اینکه گفتند حدس بزن‌ ما در این اتاق چند نفریم، درحالی‌که این رفتار، تمسخر و اهانت مسلم به یک نابیناست‌ که متأسفانه از سوی افرادی که در سیستم آموزشی کشور نقش دارند دیده می‌شود‌.

رحیمی بیان کرد: کمیسیون نظر خود را در مورد من «عدم برخورداری از توانمندی‌های فردی» اعلام کرد، درحالی‌که تشخیص این ویژگی در صلاحیت کمیسیون پزشکی نیست‌. این جوان اصفهانی که دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد در رشتۀ مشاورۀ شغلی است، توضیح داد: دعوت نابینایان به کمیسیون‌ دوم درواقع اقدامی ظاهری و صوری بود تا از فشارهای ناشی از اقدام قبلی خود در راستای رد نابینایان به دلیل نابینایی بکاهند و بگویند این بار توانایی افراد از منظر پزشکی بررسی شد، درحالی‌که نظر نهایی کمیسیون نشان می‌دهد کمیسیون دلیلی آورده که بررسی آن را در صلاحیت و اختیار خود نداشته است‌. این پرونده روی میز تحریریه نسل مانا همچنان باز است و پیگیری‌ّای ما در این خصوص ادامه خواهد داشت.

## **همقدم با سَم در دنیای مشاغل**

**گرداوری و ترجمه: میرهادی نائینی‌زاده**

ـ سلام رفقا! امیدوارم حالتون خوب باشه و کم‌کم تونسته باشید یاد بگیرید یه زندگی خوب بسازید که با نابینایی سازگار باشه. امروزم مثل قسمت‌های قبلی با یه نابینای موفق صحبت می‌کنم که یه کار دیگه رو انجام می‌ده. امروز دنی با منه.

دنی! اول یه‌کم برام راجع‌به وضعیت نابیناییت بگو!

ـ سلام سم! خوشحالم که با تو حرف می‌زنم و اگه بخوام بگم دیدم چطوره، می‌تونم بگم خیلی‌خیلی نوسان داره. یه‌روز از خواب بیدار می‌شم و می‌بینم خیلی خوب می‌بینم و یه‌روز دیگه اصلاً این‌طوری نیست.

ـ خب دنی! راجع‌به کارت برامون صحبت کن، چی‌کار می‌کنی؟

ـ خب! کار من به وِندینگ ماشین[[11]](#footnote-11) مربوط می‌شه؛ ماشینایی که با پرداخت پول و انتخاب چیزی که می‌خوای به‌صورت الکترونیک برای شما کار می‌کنه و هیچ فروشنده‌ای در کار نیست. کار من یه بخشی از برنامۀ اشتغالیه که توی ایالت آلاباما برای نابیناها اجرا می‌شه. من شش‌ماه مدرسه رفتم و یاد گرفتم دقیقاً چطور باید وندینگ ماشینا رو پر کرد.

ـ چند وقته داری این کارو می‌کنی؟

ـ فکر می‌کنم پونزدَه سالی می‌شه.

ـ تو اشاره کردی که کارت فقط وندینگ ماشینا نیست. توی کافه‌ها، اسنک‌شاپ‌ها و جاهایی از این‌جور کارا هم هست که تو می‌تونی فعال باشی؟

ـ سم! فقط اینایی که گفتی نیست. بذار اتفاق تازه‌ای رو که از ماه مارس افتاده، برات بگم. یه مرکز جراحی هست که کارایی مثل آندوسکوپی و کولونوسکوپی انجام می‌ده. اینا خواستن که یه وندینگ ماشین داشته باشن که توش آبِ سیب و کوکا باشه. خب! چه چیزی بهتر از اینکه من برم دستگاه‌هاشون رو براشون پر کنم؟

ـ تو حتی توی پایگاه‌های نظامی و زندان‌ها هم مشغولی دنی؟

ـ خب! آره، یه پایگاه نظامی هست توی آلاباما که من بهشون سرویس می‌دم. زندان هم برای ملاقاتی‌ها یه ماشین اسنک‌فروشی داره که من پُرش می‌کنم، البته کار زندان از وقتی‌که بیماری همه‌گیر شروع شد از رونق افتاد، ولی خب! حالا داره دوباره جون می‌گیره. زندان نُه‌تا ماشین داره که هفته‌ای یه‌بار پر می‌شه و پایگاه نظامی هفتادتا. بخوام کلی بگم؛ هفته‌ای بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ تا ماشین هست که پر کردنش با منه.

ـ به نظر خیلی می‌رسه!

ـ آره! تنهایی اگه بخوای کار کنی، خب! خیلی زمان‌بره. من شنبه‌ها مرتب دارم کار می‌کنم و فکر کنم این پر‌کاری تا آخر سال ادامه داشته باشه. همون‌طور که گفتم بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ تا ماشین تو جاهای مختلف هست که باید پر شه.

ـ خب! همه‌مون می‌دونیم کارت سخته، ولی به نظر می‌رسه درآمد بدی نداری دنی؟

ـ سم! نمی‌گم که یه زندگی عالی دارم، ولی خب! مطمئنم که دارم خوب زندگی می‌کنم. تنها مشکل اینه که ماشینا خودشون پر نمی‌شن و تو باید صبح زود از خوابت بزنی و بری پرشون کنی.

ـ یه کم دربارۀ آموزش‌هایی که دیدی بیشتر برامون صحبت کن! گفتی یه آموزش شش‌هفته‌ای داشتی؟

ـ نه سم! شش‌ماه بود و ما باید تو خوابگاه مدرسه نابینایان و ناشنوایان آلاباما می‌موندیم و یاد می‌گرفتیم چطوری ماشین فروش خوابگاه خودمون رو که خیلی هم بزرگ نبود پر کنیم. بعد تو مراحل بعدی باید می‌رفتیم تو خوابگاه‌های دیگه و همین کارو انجام می‌دادیم. ما باید یاد می‌گرفتیم چطوری ماشینا رو پر کنیم، چطوری قیمت‌ها رو به چیزایی که می‌فروشیم مربوط کنیم و چه شکلی یه فهرست از چیزایی که داریم تهیه کنیم.

ـ سؤال بعدی من اینه که از چه وسایل و ابزاری استفاده می‌کنی برای اینکه کارت رو بتونی بهتر پیش ببری؟

ـ چیزایی که من ازشون استفاده می‌کنم یه CC TV هست با یه درشت‌نما و یه کامپیوتر که به من کمک می‌کنه محاسباتم رو انجام بدم، البته برای جابه‌جایی هم از یه راننده کمک می‌گیرم که بتونه وسایلی رو که می‌خوام ببرم، برام جا به جا کنه.

ـ از کی فهمیدی که داری کم‌بینا می‌شی؟

ـ فکر کنم وقتی نوجوون بودم، شروع شد.

ـ دنی! قبل این کار، کار دیگه‌ای هم داشتی؟

ـ بله! من دوازده سال کار برقی می‌کردم. وقتی این رو به مردم می‌گم، کلی تعجب می‌کنن.

ـ مرسی دنی! که با من حرف زدی و تجربه‌هات رو برامون گفتی.

## **معلولان و چالش استخدام در آموزش و پرورش راهکار و رویکرد حقوقی**

نگین حیدری: کنشگر حوزۀ حقوق معلولان

در نخستین شماره از سلسله مطالب معلولان و قوانین ایران، با دو نفر از حقوقدانان برجسته نابینا همراه شده‌ایم: ناصر سرگران، دکتری حقوق بین‌الملل از دانشکدۀ حقوق و علوم ‌سیاسی دانشگاه تهران، وکیل ‌دادگستری و مدرس ‌دانشگاه و رئیس هیئت‌مدیره انجمن رفاه نابینایان سقز است و بیش از ده سال است که در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت فعالیت می‌کند و زهرا عابدینی، پژوهشگر دورۀ دکتری حقوق ‌عمومی دانشگاه قم و مدرس ‌دانشگاه است. او در حال حاضر عضو کمیته حقوق‌دانان ‌نابینای مؤسسۀ ‌توسعۀ ‌حقوق ‌فقرزدایی است. در ادامه می‌توانید گفتگوی نسل مانا با این دو حقوقدان نابینا را از نظر بگذرانید.

وقتی صحبت از معلولان و چالش استخدام می‌کنیم، آیا در مجموعۀ ‌مدون ‌قانونی کشور‌مان، برای استخدام معلولان قوانین خاصی داریم و آیا می‌توانیم از قوانین ‌دیگر برای استخدام ‌معلولان و شغل‌گزینی آنها استفاده کنیم؟

دکتر ناصر سرگران: هنگام سخن‌گفتن ‌از ‌استخدام، از داشتن شغل‌ مناسب صحبت می‌کنیم. این حق به‌عنوان یکی از حقوق ‌رفاهی و بشری، در میثاق حقوق ‌اقتصادی‌اجتماعی به‌عنوان معاهده‌‌ای الزام‌آور که دولت ‌ایران هم به آن پیوسته، شناسایی شده است.

در حقوق داخلی، اصول ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی، به‌نوعی به این ‌حق اشاره کرده است. به‌صورت‌ خاص‌ هم کنوانسیون‌ حقوق افراد ‌دارای ‌معلولیت مصوب سال 2006م، در مادۀ ‌27، هم در ‌بخش ‌دولتی هم در‌ بخش ‌غیر‌دولتی این حق را مورد شناسایی قرار داده که دولت ‌ایران این کنوانسیون را در سال‌1387ش تصویب کرده ‌است و به‌عنوان یک قانون ‌الزام‌آور ‌داخلی می‌توان به‌ آن استناد کرد.

زهرا عابدینی: از اصل ۴۳ قانون ‌اساسی می‌توان استنباط کرد گاهی ممکن است در بهره‌مندی از امکانات عدالت رعایت نشود؛ بنابراین دولت مکلف است برای فعالیت‌های مختلف، شرایط ‌و ‌امکانات ‌مناسب ایجاد کند. این اصل بر تکلیف دولت بر ایجاد محیط‌ عادلانه ‌و‌ رقابتی تأکید داشته ‌است. در قانون حمایت از معلولان سال ‌1396ش دولت مکلف شده است 3درصد از سهمیه‌های استخدامی خود را به افراد ‌دارای ‌معلولیت اختصاص دهد. در قانون مدیریت‌ خدمات ‌کشوری که در سطح ‌کلان، دستگاه‌های اجرایی باید در استخدام‌های رسمی‌ و ‌پیمانی خود آن را رعایت کنند، بندی وجود دارد که شاید به‌نوعی این حق ‌‌افراد ‌دارای‌ معلولیت را تحت‌الشعاع قرار داده ‌است؛ بند ز مادۀ ‌42 این قانون که یکی از شرایط استخدام افراد را داشتن سلامت جسمی ‌و‌ روانی بیان کرده و آیین‌نامه‌ای هم در مورد این بند به تصویب رسیده است که در ادامه در مورد آن بیشتر صحبت می‌کنیم.

نگین حیدری: در مورد چالشی که مدتی‌ است معلولان با آموزش‌و‌پرورش در زمینۀ استخدام دارند، داستان چیست؟ آموزش‌و‌پرورش در زمینۀ استخدام معلولان، به‌ویژه معلولان با آسیب ‌بینایی چه موضعی دار

سرگران: با توجه به اینکه آموزش‌و‌پرورش، به دلیل کمبود شدید نیروی انسانی، هر‌سال تعداد قابل‌ملاحظه‌ای را استخدام می‌کند، چالشی که گفتید بیشتر از سایر دستگاه‌ها به چشم می‌آید. هر‌سال باید سهمیه‌های مختلف که یکی‌ از‌ آنها سهمیۀ 3درصد معلولان است، در دفترچۀ آزمون پیش‌بینی شود، البته در استخدام‌های شرکتی، در اغلب موارد، سهمیۀ 3درصد معلولان را فراموش می‌کنند.

استخدام‌های آموزش ‌و‌ پرورش با رشته‌هایی که اغلب نابینایان از ‌آن استقبال می‌کنند همخوانی دارد، سهمیۀ 3درصد را هم پیش‌بینی می‌کند، نابینایان در آزمون شرکت و نمره قبولی را کسب می‌کنند، ولی کد رشته‌هایی را برای معلولان مشخص می‌کند که اقدامی مثبت نیست، چون معلولان را به حوزه‌های مشخصی محدود کرده‌اند. پس از بررسی مدارک، معلولان به معاینه‌های پزشکی ارجاع داده می‌شوند که در این مرحله مطابق دستور‌العمل‌هایی که آموزش‌و‌پرورش برای هر آزمونی تعریف می‌کند، نابینایان را از ادامۀ روند استخدام منع می‌کند و نوبت به مصاحبه هم نمی‌رسد. در مادۀ ‌5 آیین‌نامۀ بند ز مادۀ ‌42 قانون مدیریت خدمات کشوری، درخصوص معلولان باید با حضور نمایندۀ بهزیستی تصمیم‌گیری شود که فرد دارای معلولیت شرط توانایی انجام کار را دارد یا نه که این بند نیز در بسیاری موارد نا‌دیده گرفته شده و نوبت به مصاحبه نرسیده است. گاهی هم نمایندۀ سازمان بهزیستی توانایی فرد ‌معلول را تأیید نمی‌کند. چالش اینجاست که متقاضی به دلیل معلولیت رد شده، حال‌آنکه با سهمیۀ 3درصد معلولان در آزمون شرکت کرده ‌است!

عابدینی: اگر قائل به برابری افراد باشیم، نکته‌ای که باید مد‌نظر قرار گیرد، توانایی افراد برای انجام کار است، همچنین استعداد، دانش و تخصص فرد. آموزش‌و‌پرورش یکی از متخلف‌ترین دستگاه‌ها درخصوص سهمیۀ 3درصد بوده ‌است. این فرایند چند‌مرحله‌ای استخدام معلولان مانع بزرگی است. نمایندگان سازمان بهزیستی در بسیاری موارد به رسالت اصلی خود که نشان‌دادن توانایی‌های معلولان است، عمل نکرده‌اند. سمن‌ها باید در این زمینه‌ها مطالبه‌گری مؤثر داشته ‌باشند. رَویۀ نا‌عادلانه‌ای که مدتی است اتفاق افتاده، این است که معلولان بعد از یک فرایند یکی‌دو‌ساله، درنهایت به دلیل معلولیت و بدون توجه به توانمندی‌هایی که دارند رد صلاحیت شده‌اند.

حیدری: نکته‌ای که می‌خواهم به صحبت‌های کارشناسان محترم این شماره اضافه کنم این است که اولاً نمایندگان سازمان بهزیستی، گاه حتی به رسالت و وظیفه‌ای که در جلسه‌های کمیسیون‌های استخدامی معلولان دارند، انواع معلولان و توانایی هر گروه از آنها آگاه نیستند؛ درنتیجه حضور مؤثری هم در جلسات نمی‌توانند داشته ‌باشند. از سوی دیگر در شکایتی که چند سال پیش بهزیستی درخصوص حمایت از حقوق استخدامی معلولان در دیوان عدالت مطرح کرد، کمیته حقوق استخدامی دیوان عدالت ضمن ارجاع به دفاعیات نمایندۀ آموزش‌و‌پرورش استدلال کرد که مادۀ ‌1 آیین‌نامۀ بند ز قانون مدیریت خدمات کشوری به دستگاه اجرایی برگزار‌کنندۀ آزمون تکلیف کرده که باید در مورد صلاحیت علمی و توانایی جسمی کسی که متقاضی استخدام است اظهار‌نظر کند. در مادۀ 3 همان آیین‌نامه به دستگاه اجرایی اختیار داده که از طریق مصاحبۀ علمی و کمیسیون پزشکی، صلاحیت‌ها را احراز کند. بعد در مادۀ ‌5 این موضوع را که معلولیت فرد مانع انجام حرفۀ مورد‌نظر نیست، به بهزیستی واگذار کرده است، یعنی اختیار و صلاحیت نمایندۀ بهزیستی را تحت‌الشعاع آن دو مادۀ قبل قرار داده است. کمیته با همین استناد و استدلال شکایت بهزیستی را رد کرد.

پرسش بعدی این است با مانع‌تراشی که آموزش‌و‌پرورش هر‌سال به شکلی و با سیاستی در استخدام معلولان کرده است، چه اقدام حقوقی تا‌به‌حال انجام شده و آیا نتیجه‌بخش بوده است؟

سرگران: آموزش‌و‌پرورش در سال 1389ش آزمونی برگزار کرد، بسیاری از معلولان با استفاده از سهمیه در آن آزمون شرکت کردند که رد صلاحیت شدند. شکایت‌هایی در دیوان عدالت مطرح و آرای متناقضی هم از شعب مختلف دیوان عدالت صادر شد که درنهایت به صدور رأی وحدت ‌رَویۀ ۲ ـ ۲۵ منتهی گردید. طبق این رأی آموزش‌و‌پرورش مکلف شد که سهمیۀ 3درصد را برای معلولان اعمال کند؛ با‌این‌همه در اغلب آرای صادره از دیوان عدالت، شکایت معلولان متقاضی استخدام رد شده ‌است، به‌ویژه در مورد آموزش‌ ابتدایی. در مادۀ ۱۵ قانون حمایت از معلولان ۹۶ مراحل استفاده از سهمیۀ 3‌درصد معلولان کوتاه شد، ولی همچنان شاهد رد صلاحیت داوطلبان دارای معلولیت، به‌ویژه نابینایان و کم‌بینایان بوده‌ایم.

عابدینی: با توجه به اینکه سازمان بهزیستی بر اساس لایحۀ تشکیل سازمان، متولی امور معلولان است، وظیفۀ حل این مشکل و چالش به وجود آمده هم برعهدۀ این سازمان است، ولی متأسفانه در سازمان بهزیستی با تغییر در مدیریت‌ها، رویکردهای متفاوتی را شاهد هستیم. شاید بعضی از پذیرفته‌شدگان دارای معلولیت مطابق انتظارات عمل نکرده‌اند، ولی بسیاری هم در حوزۀ آموزش می‌درخشند. بهتر است تعامل بین دستگاه‌ها بیشتر شود. بهتر بود اگر آموزش‌و‌پرورش در نپذیرفتن نابینایان برای آموزگار ابتدایی قاطع بود، تصریح می‌کرد و دفترچۀ بریل را آماده نمی‌کرد.

باید روی این مسئله کار کرد که اولاً افراد دارای معلولیت، به‌ویژه نابینایان و کم‌بینایان هدایت شوند به سمت‌وسویی که توانمندی آن را دارند و توسط دستگاه‌های متقاضی ‌نیرو پذیرفته ‌شوند، تحصیلاتشان در چند رشتۀ خاص متمرکز نشود و درنهایت برای همان رشته‌ها هم در آزمون‌های استخدامی شرکت کنند.

حیدری: امسال موضوع رد صلاحیت‌های کمیسیون پزشکی آموزش‌و‌پرورش را با شتاب بیشتر و کمیت زیادتر شاهد بودیم، چه اتفاقی افتاده است؟ آیا بعد از آن رایزنی خاصی انجام گرفته است؟ آیا آموزش‌و‌پرورش موضع جدید و متفاوتی در پیش گرفته است؟

سرگران: در دستور‌العمل اجرایی آزمون استخدامی برای آموزگاری ابتدایی، در قسمت معاینه‌های پزشکی، محدودیت‌های گسترده‌ای مقرر شده است و طیف وسیعی از معلولان بینایی از استخدام باز‌می‌مانند. در صورت شکایت فرد هم، درنهایت به همان ضوابط استناد و شکایت رد می‌شود. ضوابط داخلی آموزش‌و‌پرورش در مورد استخدام است؛ درصورتی‌که بر اساس منشور حقوق شهروندی در نظام اداری سال ۱۳۹۵، ضوابط باید به اطلاع مردم برسد. طبق رایزنی‌هایی که شبکۀ ملی نابینایان (چاووش) داشته، آموزش‌و‌پرورش متقاعد شده متقاضیان را به دلیل معلولیت رد نکند، بلکه آنها در مصاحبه شرکت کنند و با حضور نمایندۀ سازمان بهزیستی شرط توانایی انجام کار را، همه‌جانبه، مورد بررسی قرار دهد، البته این بار آزمون آموزگاری ابتدایی مستقل از دبیری برگزار شد و رد ‌صلاحیت‌ها بیشتر به چشم آمد. با رویکرد جدید آموزش‌و‌پرورش باید منتظر نتیجه ماند. به‌هرحال تجربه نشان داده وقتی شکایت استخدامی معلولان در دیوان عدالت مطرح شده ‌است، در بسیاری از موارد شکایت به استناد نظریۀ کمیسیون پزشکی آموزش‌و‌پرورش و نمایندۀ بهزیستی رد شده ‌است؛ درنتیجه اگر بتوان کار را بدون رجوع به دیوان دنبال کرد و به سرانجام رساند، بهتر است.

سرگران: اگر واقعاً آموزش‌و‌پرورش نخواهد مشکل را حل کند، باید کار به دست قانون‌گذار، یک‌بار برای همیشه، حل شود؛ بدین ترتیب که در اصلاح مادۀ ‌15 نقش بهزیستی را پر‌رنگ‌تر کند و معلولیت را جدا از بیماری بداند.

حیدری: در مورد رفتارهای نا‌مناسبی که با معلولان در کمیسیون‌های پزشکی شده است درخصوص مثلاً تشخیص رنگ‌ها، پیداکردن اشخاص و اشیا و...باید دوستان متقاضی ما در بیان شرایط بینایی خود، اینکه نابینا یا کم‌بینا هستند، صادق باشند، چون با توجه به سهمیۀ 3درصد در آزمون شرکت کرده‌اند و اگر بینایی آنها مشمول تعریف معلولیت نشود، جلسه وجاهتی ندارد، پس به اثبات‌ میزان بینایی خود نیاز ندارند و در صورت گفتن نا‌صحیح میزان بینایی خود با پرسش‌های مختلف ارزیاب‌ها مواجه می‌شوند.

عابدینی: حقیقت این است که بعضی از دوستان شاید بر این باورند که هر‌قدر جنبۀ حمایتی را در مصاحبه‌ها پر‌رنگ‌تر کنند، شاید موفقیت‌آمیز باشد، اما باید توجه داشته ‌باشند کسی در مصاحبه‌ها پیروز می‌شود که توانمندی‌هایش را از راه‌های مختلف، ازجمله آشنایی با فناوری و کاربرد آن نشان دهد. معضل دیگر که متوجه قانون‌گذاری ماست، عدم نیاز‌سنجی قانونی است. در بند ز مادۀ ‌42 قانون مدیریت خدمات کشوری اصلاً به شرایط معلولان و ضروریات زندگی آنها توجه نشده است؛ اگرچه این بند سال‌هاست برای معلولان چالش‌های متعددی را به وجود آورده‌ است، قانون‌گذار متوجه آن نیست و اقدامی برای اصلاح قانون و رفع چالش‌ها انجام نداده ‌است. در مورد تغییر رویکرد آموزش‌و‌پرورش شاید هدف، اجرای روش نوینی باشد، ولی اضطراب و استرسی که در جامعۀ معلولان ایجاد شده است، ممکن است متقاضیان را با چالش‌هایی رو‌به‌رو کند. شرط توانایی برای انجام کاری که شخص برای ‌آن استخدام می‌شود، در بند ز مادۀ ‌42 قانون مدیریت خدمات‌ کشوری یک شرط عقلی و عرفی است و شرط جدیدی به‌شمار نمی‌رود، چون انجام هر کاری مستلزم داشتن توانایی برای آن است.

حیدری: سؤال آخر، صرف‌نظر از اینکه آموزش‌و‌پرورش با توافق انجام شده، چگونه عمل خواهد کرد؟ از منظر حقوقی در مقابل بخش‌نامه‌ها و عملکردهایی که گفته‌ شد، با توجه به قوانین موجود و اصلاحات انجام شده، چه می‌شود کرد؟ آیا می‌توان برای احقاق‌ حقوق استخدامی معلولان، خوش‌بین بود؟

سرگران: باید اقدام‌هایی را به‌صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلند‌مدت مد‌نظر قرار داد که دو قسمت کوتاه‌مدت و میان‌مدت مورد بررسی قرار گرفت. در مورد اقدام بلند‌مدت، اصلاح قانون حمایت از معلولان و به‌خصوص گنجاندن جزئیات بیشتر در بحث استعمال سهمیۀ 3درصد و اصلاح بند ز قانون مدیریت خدمات ‌کشوری که در شرط توانایی برای انجام کار، افراد دارای معلولیت هم در نظر گرفته‌ شوند. از سوی دیگر به رایزنی‌ها با دستگاه‌های اجرایی، ازجمله آموزش‌و‌پرورش و دخیل کردن سازمان بهزیستی در آن ادامه دهیم. برای اینکه به نتیجه برسیم، باید چالش‌های آنها را هم ببینیم و برای بر‌طرف کردن چالش‌ها تلاش کنیم. در ادامه متقاضیان رد صلاحیت شده باید در دیوان عدالت شکایت کنند؛ اگرچه احتمال رد بسیاری از آنها از سوی دیوان وجود دارد، اما این موضوع باعث می‌شود با گذشت زمان، قضات دیوان از رهگذر همین شکایت با مسائل معلولان آشنا شوند و تغییر موضع دهند.

عابدینی: اگر بنا است اصلاحیه‌ای نسبت به قوانین اعمال شود، برای اینکه قانون اصلاحی، دوباره چالش‌بر‌انگیز نباشد، باید از ظرفیت‌های موجود در میان جامعۀ هدف استفاده ‌شود. مسئلۀ مهم‌تر چگونگی اجرای قانون است. در طرح شکایت در دیوان عدالت اداری، با توجه به اصلاحیه‌ای که اخیراً انجام گرفت، روند، کمی متفاوت و طولانی‌تر شده است. متقاضی باید قبل از طرح دادخواست در دیوان عدالت، شکایت خود را از شیوۀ عملکرد دستگاه اجرایی، پس از ثبت، به همان دستگاه ارائه دهد و دستگاه ظرف سه ماه مکلف است پاسخ دهد. متقاضی پس‌از‌این مرحله، باید دادخواست خود را به همراه تصویر شکایت ثبت‌شده در دستگاه اجرایی، به دیوان عدالت تقدیم کند. طرح دادخواست بر‌خلاف این رَویه از طرف دیوان پذیرفته نمی‌شود.

امیدواریم دوستان و مخاطبان ما بتوانند از این گفتگوها برای احقاق‌ حقوقشان و به‌دست‌آوردن آنچه حق آنهاست و توانایی و شایستگی آن را دارند استفاده کنند.

در صورت تمایل به دریافت اطلاعات تفصیلی به پادکست ضمیمه مراجعه کنید!

## **چشمه‌ای در دل سنگی کوهستان (چگونگی دسترسی افراد کم‌بینا و نابینا به منابع مطالعاتی)**

**مسعود طاهریان: مددکار مؤسسه حمایت از بیماران چشمی آرپی**

### مطالعه با کمک نوت‌تیکر شرکت پکتوس**مقدمه**

برای بسیاری از اعضای بینای جامعه سؤال است که افراد نابینا و کم‌بینا چطور می‌توانند کتاب بخوانند، حتی برخی از افراد با آسیب بینایی هم درست نمی‌دانند چه [راه‌هایی برای رفع نیازهای مطالعاتی‌شان](http://ibngo.ir/%D9%84%D9%85%D8%B3-%D8%A2%DA%AF%D8%A7%D9%87%DB%8C-%D8%B1%D8%A7%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B1%D9%81%D8%B9-%D9%86%DB%8C%D8%A7%D8%B2-%D9%85%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%A7%D8%AA%DB%8C-%D8%A7) وجود دارد. در ادامه راه‌های مختلف دسترسی افراد نابینا و کم‌بینا به انواع منابع مطالعاتی، معرفی می‌شود؛ چراکه امروزه بیش‌از‌پیش با پیشرفت فناوری و امکانات، مطالب قابل‌استفادۀ گسترده‌ای برای افراد با آسیب بینایی در دسترس هستند. در این راستا گروه خدمات کتابداری برای کودکان نابینا و کم‌بینای [شورای کتاب کودک](cbc.ir)، یک [فیلم آموزشی](http://www.instagram.com/tv/CTwyClwr8sL/?utm_medium=copy_link) آماده کرده است که مشاهدۀ آن برای کسب اطلاعات بیشتر، خالی از فایده نیست.

### **مراکز ارائه‌دهندۀ خدمات کتابداری**

کتابخانه‌ها و مؤسسه‌هایی هستند که متناسب با امکانات، تجهیزات، قدرت مالی و نیروی انسانی خود، خدمات کتابداری متنوعی به افراد نابینا و کم‌بینا ارائه می‌دهند؛ برای مثال این اشخاص می‌توانند با مراجعه به تعدادی از این مراکز درخواست بدهند تا جزوه یا کتاب مورد‌نیازشان ضبط یا اینکه متون کاغذی و بینایی مورد‌نظرشان اسکن و با چاپگر برجسته به خط بریل یا با چاپگر جوهر‌افشان با خطوط درشت بینایی چاپ شود. برخی از این مراکز هم نقش واسطه‌ای دارند و انواع منابع تولیدشده در سایر مراکز را آرشیو می‌کنند و افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند بعضی از منابع صوتی، بریل، الکترونیکی و حسی‌لمسی را که می‌خواهند، با کمک این مراکز تهیه کنند. همچنین دسته‌ای از این مراکز انواع دوره‌های آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی را برای افراد نابینا و کم‌بینا برگزار می‌کنند.

درکل این مراکز پایگاه‌های خوبی برای ارتباط با افرادی هستند که شرایط مشترکی دارند و می‌توانند تجارب خود را با یکدیگر تبادل کنند. این مراکز را که به افراد نابینا و کم‌بینا خدمات کتابداری ارائه می‌دهند، می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

* **کتابخانه‌های دانشگاهی مثل** [**بخش نابینایان کتابخانۀ مرکزی دانشگاه تهران**](blind.ut.ac.ir)
* **کتابخانه‌های دولتی مثل** [**کتابخانۀ نابینایان رودکی سازمان بهزیستی شهر تهران**](https://t.me/roodakiblindcenter)
* **کتابخانه‌های خصوصی مثل** [**کتابخانۀ حسینیۀ ارشاد شهر تهران**](https://t.me/blindhepl)
* [**نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور**](sepid.samanpl.ir/)
* [**مراکز فراگیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سراسر کشور**](kanoonnews.ir/)
* [**کتابخانه‌های الکترونیکی سامسونگ سراسر کشور**](ibngo.ir/category/saudiobook)
* **کتابخانه‌های سازمان فرهنگی‌هنری شهرداری‌های سراسر کشور**

این مراکز از طریق مراجعۀ حضوری، ارسال بسته‌های پستی یا لینک دانلود اینترنتی، منابع خود را در اختیار افراد نابینا و کم‌بینا قرار می‌دهند و انواع دوره‌های آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی خود را به‌صورت حضوری یا آنلاین برگزار می‌کنند و درکل می‌کوشند در هر استان پایگاهی داشته باشند تا بتوانند بهتر و سریع‌تر به اعضای خود کمک کنند. گروه خدمات کتابداری برای کودکان نابینا و کم‌بینای شورای کتاب کودک، مشخصات این مراکز را در یک پایگاه اطلاعاتی طبقه‌بندی کرده و اطلاعات جمع‌آوری‌شده را برای مشاهده و دانلود، در [وبگاه شورا](cbc.ir/list_marazkez/) قرار داده است. افراد با آسیب بینایی در سراسر کشور می‌توانند با مراجعه به فهرست شورای کتاب کودک، نزدیک‌ترین مراکز به محل سکونت خود را شناسایی کنند و با ارائۀ کارت معلولیت در آنها عضو شوند و از انواع خدماتشان استفاده کنند.

### **پایگاه‌های اینترنتی ارائه‌دهندۀ کتاب‌های صوتی و الکترونیکی**

برخی از وبگاه‌‌ها و گروه‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی به افراد نابینا و کم‌بینا کمک می‌کنند تا بخشی از نیازهای مطالعاتی خود را رفع کنند. این پایگاه‌های اینترنتی تنها کتاب‌های صوتی و الکترونیکی خود را در اختیار افراد با آسیب بینایی قرار می‌دهند. اسامی و لینک دسترسی به برخی از این پایگاه‌ها را می‌توان در ادامه مشاهده کرد.

* [**پایگاه اینترنتی کتابخانۀ بلین**](gooshkon.ir/1396/05/%D8%AF%D9%88-%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D9%87-%D9%87%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D8%AF%D9%88-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2)
* **کتابخانۀ دانش‌آموزی و کتابخانۀ صوتی** [**وبگاه گوش کن – محلۀ نابینایان**](gooshkon.ir)
* **کتاب‌های قصۀ شب** [**وبگاه سوینا**](sevinagroup.com)

### **انتشاراتی‌های تولیدکننده و اپلیکیشن‌های فروش کتاب‌های صوتی و بریل**

افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند با کمک اپلیکیشن‌هایی مثل [**نوار**](http://www.navaar.ir) و [**واوبو**](http://www.vavbook.com)**ک** بخشی از کتاب‌های صوتی خود را خریداری کنند. همچنین ناشران بسیاری مثل [**نوین‌کتاب**](novinketab.com)، [**آوانامه**](avanameh.com) و [**ماه‌آوا**](maahava.com) در جامعه فعالیت می‌کنند که تنها به تولید کتاب صوتی می‌پردازند و افراد با آسیب بینایی می‌توانند از فروشگاه‌های اینترنتیِ این انتشاراتی‌ها، محصولات صوتی آنها را تهیه کنند. علاوه‌بر‌این برخی از ناشران مثل [**چشمه**](app.radiogousheh.com)، [**مدرسه**](enmabazar.ir)، [**کانون فرهنگی آموزش قلم‌چی**](http://www.kanoon.ir) و [**کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان**](shop.kpf.ir) در کنار چاپ کتاب‌های کاغذی به تولید کتاب‌های بریل و صوتی خود نیز می‌پردازند و افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند با مراجعه به فروشگاه‌های اینترنتی انتشاراتی‌های مذکور مشخصات این کتاب‌ها را ببینند و آنها را برای خود بخرند.

### **اپلیکیشن‌ها و کانال‌های قصه و لالایی و نمایش**

اپلیکیشن‌هایی مثل [آی قصه](http://www.ighe3.com)، پادکست‌‌هایی در نرم‌افزارهای کاربردی پادگیر مانند کانال [همراهِ مادر و کودک](https://castbox.fm/va/2538237) و کانال‌هایی در شبکه‌های اجتماعی مانند [گروه قصه‌گویی و کتاب‌خوانی برای کودک بیمار شورای کتاب کودک](https://t.me/Shora_ketab) و [گروه بامداد سخن شورای کتاب کودک](https://t.me/bamdadlib) هستند که به‌طور اختصاصی برای کودکان تولید محتوا می‌کنند و والدین افراد با آسیب بینایی می‌توانند از طریق آنها، انواع قصه، لالایی و نمایش را برای فرزندان خود تهیه کنند.

### **نرم‌افزارهای صفحه‌خوان**

با گسترش [نرم افزارهای صفحه خوان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%81%D8%AD%D9%87%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86) امکان تبدیل نوشته‌های الکترونیکی به صوت داخل کامپیوتر و گوشی همراه، برای افراد با آسیب بینایی فراهم شده است و از این طریق این افراد می‌توانند کتاب‌ها و مطالب الکترونیکی را بخوانند. معروف‌ترین صفحه‌خوان‌ها شامل: [اِن‌وی‌دی‌اِ](https://addons.nvda-project.org) و [جاز](https://www.onlinecentresnetwork.org) برای ویندوز و تاک‌بَک برای اندروید و ویس‌اُوِر برای آی‌او‌اِس هستند.

### **نرم‌افزارهای درشت‌نمایی یا بهبود دید**

افراد کم‌بینا می‌توانند با توجه به سلیقه و میزان بینایی خود، با کمک نرم‌افزارهای درشت‌نمایی، اندازۀ تمام نوشته‌ها را در کامپیوتر و گوشی همراه بزرگ کنند تا آنها را راحت‌تر بخوانند. همچنین این افراد با استفاده از این قابلیت به فراخور شرایط بینایی، می‌توانند میزان نور نمایشگر، روشنی یا تیرگی صفحه و تضاد رنگ بین نوشته‌ها و پس‌زمینه را تنظیم کنند تا مطالب نوشتاری را بهتر ببینند.

### **اپلیکیشن‌های خرید و خواندن کتاب‌های الکترونیکی و صوتی**

با توسعۀ اپلیکیشن‌های کتاب‌خوان تمام اعضای جامعه می‌توانند با کمک کامپیوتر و گوشی همراه، انواع کتاب‌های الکترونیکی و صوتی را بخرند و بخوانند. [فیدیبو](https://fidibo.com) و [طاقچه](https://taaghche.com) و [کتابراه](https://www.ketabrah.ir) اپلیکیشن‌های موجود کتاب‌خوانی هستند که کاربران ایرانی می‌توانند کتاب‌های خود را با کمک آنها تهیه کنند.

این اپلیکیشن‌ها کتاب‌ها را با سه فرمت PDF، EPUB و MP3 در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند که فرمت‌های EPUB و MP3 برای افراد با آسیب بینایی قابل‌استفاده است؛ چراکه این افراد می‌توانند با کمک صفحه‌خوان‌های خود کتاب‌هایی را با فرمت EPUB بدون هیچ مشکل و تبدیلی بخوانند و پخش‌کنندۀ کتاب‌هایی با فرمت MP3 این اپلیکیشن‌ها هم برای تمام اشخاص دسترس‌پذیر است. از سوی دیگر، این اپلیکیشن‌ها امکانات متنوعی برای تغییر رنگ زمینه و نوشته، فاصلۀ بین خط‌ها و اندازۀ نوشته‌ها دارند که خواندن را برای افراد کم‌بینا راحت‌تر می‌کند.

کتابخانه‌های اشتراکی یکی دیگر از قابلیت‌های جذاب این اپلیکیشن‌ها است که کاربران می‌توانند تنها با پرداخت حق عضویت دوره‌ای، کتاب‌های خود را از این کتابخانه‌های مجازی قرض بگیرند. [فیدی پلاس](https://fidibo.com/landings/fidiplus/) کتابخانۀ اشتراکی اپلیکیشن فیدیبو و [طاقچه بی‌نهایت](https://taaghche.com/subscription) کتابخانه اشتراکی اپلیکیشن طاقچه است.

### **نویسه‌خوان‌های نوری**

انواع نرم‌افزارهای [نویسه‌خوان نوری](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D9%88%DB%8C%D8%B3%D9%87%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86_%D9%86%D9%88%D8%B1%DB%8C) به افراد با آسیب بینایی کمک می‌کنند تا مطالب و نوشته‌های گرافیکی را مثلاً با فرمت PDF یا JPG به فرمت‌هایی مثل DOC یا TXT تبدیل کنند تا بتوانند این مطالب تبدیل‌شده را با صفحه‌خوان‌ها بخوانند. نرم‌افزار [کِرزوِرل](https://kurzweil.com) معروف‌ترین نویسه‌خوان نوری است که برای تبدیل منابع انگلیسی توسعه یافته ‌است و افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند برای تبدیل مطالب خود مثل محتواهای علمی یا فراگیری زبان، از آن استفاده کنند. نویسه‌خوان‌های قابل‌توجهی برای مطالب فارسی هم توسعه یافته است که نرم‌افزار google OCR for Persian blinds یکی از بهترین آنها است که با کمک یکی از قابلیت‌های Google Drive به افراد با آسیب بینایی کمک می‌کند تا تبدیل فایل‌های غیرقابل‌فهم برای صفحه‌خوان‌های افراد نابینا را به مطالب قابل‌استفاده انجام دهند؛ علاوه‌بر‌این می‌توان در بازارهای نرم‌افزار، نویسه‌خوان‌های مناسبی را برای گوشی همراه پیدا کرد. [اِنویژِن‌اِی‌آی](https://play.google.com/store/apps/details?id=com.letsenvision.envisionai&hl=fa&gl=US)، [اینستاریدِر](https://play.google.com/store/apps/details?id=com.suyam.instareader) و [سالیوان‌پِلاس](https://play.google.com/store/apps/details?id=tuat.kr.sullivan&hl=fa&gl=US) معروف‌ترین نویسه‌خوان‌هایی هستند که به افراد نابینا و کم‌بینا کمک می‌کنند تا محتوای چاپی را مطالعه کنند.

### **وبگاه‌های جستجوی مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های علمی**

با توسعۀ نرم‌افزارهای صفحه خوان و نویسه‌خوان، پژوهشگران نابینا و کم‌بینا نیز می‌توانند بیشتر منابع علمی و پژوهشی را بخوانند و بیش‌از‌پیش، مستقل، به فعالیت‌های تحقیقاتی خود بپردازند؛ برای مثال [وبگاه نورمگز](noormags.ir) فرمت HTML مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها را در اختیار کاربران خود قرار می‌دهد که پژوهشگران با آسیب بینایی می‌توانند حتی بدون هیچ تغییر و تبدیلی این مطالب علمی را با صفحه‌خوان‌ها بخوانند یا وبگاه‌‌های [مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی](http://www.sid.ir) و [بانک اطلاعات نشریات کشور](http://www.magiran.com) فرمت PDF مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها را به پژوهشگران می‌دهند که افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند با کمک نرم‌افزارهای نویسه‌خوان، این مطالب را به فرمت‌های قابل‌فهم برای صفحه‌خوان‌ها تبدیل کنند و بعد آنها را بخوانند.

### **وبگاه‌های خبری و فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌ها**

با دسترس‌پذیر شدن وبگاه‌‌های اینترنتی، افراد نابینا و کم‌بینا نیز با کمک نرم‌افزارهای صفحه‌خوان که علاقه‌مند پیگیری اخبار هستند، می‌توانند از وبگاه‌‌های خبرگزاری استفاده کنند و اگر به دنبال تعریف مفهومی یا معنای کلمه‌ای هستند، می‌توانند به انواع وبگاه‌های فرهنگ‌نامه و لغت‌نامه مراجعه کنند.

### **تجهیزات الکترونیکی مطالعه**

اکنون [تجهیزات الکترونیکی](https://naslemana.com/2023/06/21/%da%af%d8%b1%d9%85%d8%a7%db%8c-%d8%a7%d9%84%da%a9%d8%aa%d8%b1%db%8c%d8%b3%db%8c%d8%aa%d9%87-%d8%af%d8%b1-%d8%b9%d8%b6%d9%84%d8%a7%d8%aa-%db%8c%d8%ae%d8%b2%d8%af%d9%87-%d8%a2%d8%b4%d9%86) متنوعی وجود دارد که افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند با کمک آنها راحت‌تر مطالعه کنند. دستگاه‌های درشت‌نمای الکترونیکی، ذره‌بین‌های دیجیتالی‌ای هستند که یک دوربین مداربسته دارند و افراد کم‌بینا می‌توانند در نمایشگر‌های متصل به این دستگاه‌ها، متون کاغذی و چاپی را به‌اندازۀ دلخواه درشت کنند و رنگ نوشته‌ها و پس‌زمینه را تغییر بدهند. از سویی نمایشگرهای بریل، دستگاه‌های الکترو‌مکانیکی هستند که سیستم‌عامل مستقل دارند یا به کامپیوتر و گوشی همراه وصل می‌شوند و کاراکترهای بریل را با استفاده از نقطه‌هایی که در ردیفی از سوراخ‌ها بالا و پایین می‌روند نشان می‌دهند. افراد نابینا که امکان استفاده از نمایشگرهای معمولی را ندارند، می‌توانند از این وسیله استفاده کنند تا امکان خواندن نوشته‌های الکترونیکی را پیدا کنند؛ علاوه‌بر‌این چاپگرهای برجسته‌ای وجود دارد که با کمک آنها می‌توان متون را برای افراد نابینا با کاربرد‌های مختلف تهیه کرد. این چاپگرها به کامپیوتر متّصل می‌شوند و مشابه چاپگر جوهر‌افشان، عمل می‌کنند، ولی به‌جای چاپ جوهری، اشکال، خطوط و حروف را روی کاغذ مخصوص سوراخ یا برجسته می‌سازند.

### **نرم‌افزار‌های مبدل متن به پرونده صوتی**

در پایان باید به نرم‌افزار‌های گویاساز مانند بالابولکا و سُهره اشاره کرد که نوشته‌های الکترونیکی را با کمک موتور‌های صوتی کامپیوتری، به فرمت MP3 تبدیل می‌کنند و می‌توان با کمک آنها کتاب صوتی تولید کرد.

## **نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا**

**رقیه شفیعی: کتابدار بخش نابینایان نهاد کتابخانه‌های عمومی ایلام**

افراد موفق وقتی بخواهند عنصر «ما می‌توانیم» را به کار گیرند، تا جایی که توان خودشان و فرصت‌هایی که در اختیارشان قرار می‌گیرد اجازه دهد، تلاش می‌کنند تا سرحد ممکن خود و دیگرانی را که باور‌شان ندارند راضی کنند؛ گاهی این تلاش مؤثر واقع می‌شود و گاه باز دیگران همچنان نا‌باورانه به فعالیت‌های آن‌که خود را باور کرده است، می‌نگرند. این داستانِ مهمان نواک است که خود را باور کرده و قدم در راه ما می‌توانیم گذارده است.

محمد محقق، فارغ‌التحصیل روان‌شناسی، سال‌هاست که دنبال علاقۀ خویش رفته و از دوران نوجوانی وارد هنر‌های نمایشی شده است. او تجربۀ بازیگری و نمایشنامه‌خوانی را در کارنامۀ خود دارد و همچنین موفق به سه اجرای عمومی رسمی و شرکت در جشنواره‌های مختلف شده است. محقق از ده سال پیش به‌عنوان کارگردان نیز به فعالیت خود در هنر ادامه داده است.

هنرمند مهمان نواک در پاسخ به این سؤال که به‌عنوان فردی با آسیب بینایی چگونه توانسته در انتخاب هنر مورد علاقۀ خود موفق شود؛ پاسخ می‌دهد: در جامعه به‌واسطۀ شرایط تحمیلی که وجود دارد و محدودیت‌هایی که برای افراد نابینا هست، هرکس بنا بر شرایط خود سعی کرده است تاحدی خود را وفق دهد. خودِ من نیز هرچند مستثنا نبوده‌ام، اما تلاش کرده‌ام با‌اینکه در هنر جنبۀ دیداری اهمیت بیشتری دارد، با علاقه و پشتکار از پس این مهم برآیم.

محمد محقق در دورۀ نوجوانی با دیدن یک آگهی و ثبت‌نام در آموزشگاهی فعالیت خود را به‌عنوان هنر‌آموز شروع کرد و بعد‌ها به تئاتر علاقه‌مند شد. او با شرکت در کلاس‌های دانشجویان و هنرجو‌های جوان و دوستی و آشنایی با آنها توانسته است به دنبال راهی که دوست داشته برود.

محقق توضیح می‌دهد: اگر افراد نابینا علاقه‌مند این حوزه هستند، اولین و درست‌ترین و بهترین راه مطالعه و ورود به کارگاه‌های آموزشی است. او ادامه می‌دهد: در دهۀ هشتاد که ما وارد این حوزه شدیم به‌اندازۀ الآن دسترسی به منابع وجود نداشت، اما امروزه این مسیر با وجود فایل‌های صوتی و متنی، تا حد زیادی برای علاقه‌مندان هموار شده است.

هنرمند مهمان نواک دربارۀ نوع دسترسی خود در گذشته و اکنون می‌گوید که در سال‌های گذشته با تکیه بر یادداشت‌برداری و حافظه و کمک گرفتن از اطرافیان تلاش کرده است تا مشکلات سر راه مطالعۀ خویش را بردارد و اکنون با تکیه بر فناوری به‌راحتی می‌تواند متون مورد نیازش را مطالعه کند. او یادآوری می‌کند که امروزه شبکه‌های پخش خانگی با افزودن بخشی به‌عنوان «فیلم‌تئاتر» به خدمات خود کمک شایانی به علاقه‌مندان کرده‌اند تا بتوانند بخش بزرگی از تئاتر‌های سال‌های گذشته را به صورت فیلم ببینند و کسانی هم که تاکنون در سالن تئاتر حضور نداشته‌اند می‌توانند با استفاده از این بخش اطلاعات مهمی دربارۀ تئاتر به دست بیاورند.

محقق راجع‌به حیطۀ فعالیت‌های افراد نابینا و توانمندی‌های آنان نیز توضیحاتی می‌دهد. او مهم‌ترین مشکل در مورد بازیگری نابینایان و ورود آنان به حوزۀ فعالیت‌های نمایشی را اثبات توانایی‌های افراد نابینا و بالا بردن سطح آگاهی فعالان حوزۀ هنر نسبت به این توانایی‌ها می‌داند و باور دارد اگر افراد نابینا از اعتمادبه‌نفس کافی برخوردار باشند، برای شروع و کار کردن مشکلی نخواهند داشت.

محقق همچنین منابع مطالعاتی را برای دوستداران هنر نمایشی معرفی می‌کند و در پایان به تعریف خاطره‌ای می‌پردازد که شنیدن آن برای علاقه‌مندان پادکست نواک خالی از لطف نخواهد بود.

همراهان همیشگی نواک برای تهیۀ کتاب‌های مورد نیاز خود به بخش‌های نابینایان و کم‌بینایان کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور مراجعه فرمایید. شما همچنین می‌توانید فایل صوتی این گفتگو را از طریق وبسایت نسل مانا و کانال‌های ما در پیامرسان‌ها دریافت کنید.

## **مثلث معلولان، بهزیستی، آموزش و پرورش استثنایی**

**پیرامون کمیته ارزیابی صلاحیت‌ها و توانایی‌های فردی متقاضیان آزمون آموزش و پرورش استثنایی مقطع ابتدایی**

**نگین حیدری : کنشگر حوزۀ حقوق افراد دارای معلولیت**

چند سالی است افراد دارای آسیب بینایی شدیدِ متقاضی استخدام در آموزش و پرورش، در کمیسیون پزشکی به دلیل معلولیت بینایی رد صلاحیت شده‌اند. در سال 1402، آزمون آموزگاری ابتدایی به‌صورت مستقل از آزمون دبیری برگزار شد و رد صلاحیت‌ها با سرعت و کمیت بیشتر انجام گرفت. خبرهایی شنیده می‌شد که آموزش و پرورش استثنایی دستورالعملی برای چگونگی پذیرش متقاضیان دارای معلولیت بر اساس نوع و شدت معلولیت آنها مقرر کرده است و همین موضوع نگرانی و استرس متقاضیان دارای معلولیت رد صلاحیت ‌شده را بیشتر کرد. در طول این سال‌ها، همواره کنشگران حوزۀ حقوق معلولان، اعتراض‌های متعددی را به اداره‌های بهزیستی و آموزش و پرورش استان‌های مختلف منعکس و اعلام می‌کردند. در روندی که متقاضیان با توجه به معلولیت بینایی و با استفاده از سهمیۀ 3درصد معلولان در آزمون استخدامی آموزش و پرورش شرکت می‌کنند، تشکیل کمیسیون پزشکی و به چالش کشیدن میزان بینایی ایشان و رفتارهای توهین‌آمیز حول همین محور از سوی اعضای کمیسیون با متقاضیان، غیرقانونی و ناموجه و مورد اعتراض شدید جامعۀ معلولین بینایی کشور است و حال که چنین رَویۀ غیرقانونی را تغییر نمی‌دهید و به تشکیل کمیسیون پزشکی اصرار دارید، در هر جلسه یکی از حقوق‌دانان دارای معلولیت بیناییِ آگاه به شرایط همنوعان در کنار نمایندۀ بهزیستی حضور داشته باشد که تا قبل از سال 1402، این اعتراض راه به جایی نبرد.

با پیگیری‌های متعدد شبکۀ ملی نابینایان (چاووش) و رایزنی‌های مختلف و تشریح شرایط و اتفاق‌های ناموجه و ناخوشایندی که در کمیسیون‌های پزشکی آموزش و پرورش، به‌خصوص در سال 1402 افتاده است، درنهایت توافق شد که افراد رد صلاحیت ‌شده در کمیته، دوباره به‌منظور ارزیابی عمومی سلامت جسمانی و روانی و توانایی‌های فردی با حضور نمایندگان آموزش و پرورش استثنایی و بهزیستی شرکت کنند و در صورت تأیید صلاحیت از سوی آن کمیته به مصاحبۀ علمی معرفی شوند. نکته‌ای که اهمیت دارد این است که توافق شد در کمیته یکی از معلولان بینایی که به شرایط همنوعان و مقررات قانونی مرتبط آگاه است، در کنار نمایندۀ بهزیستی حضور داشته باشد.

 بر اساس توافقی که گفته شد، در تاریخ 8 مرداد 1402، در مرکز یکی از استان‌ها، کمیته مورد‌نظر در زیرزمین معاونت تربیت‌بدنی با پله‌هایی نسبتاً زیاد و نامناسب تشکیل شد. اگرچه ساختمان بسیاری از مدارس کشورمان نیز همین شرایط را دارد و شاید در پس ذهن ارزیابان آموزش و پرورش و هماهنگ‌کنندگان این کمیته همین مسئله بوده است، ولی تکلیف قانونی در دسترس‌پذیری ساختمان‌های اداری و عمومی برای معلولان را منتفی نمی‌کند. جلسه با حضور عضو کمیته پژوهشی آموزش و پرورش استثنایی، رئیس آموزش و پرورش استثنایی، پزشک معتمد و دو نفر خانم از امور اداری آن دستگاه، مشاور حقوقی و کارشناس توان‌بخشی بهزیستی شکل رسمی به خود گرفت. پیش از شروع ارزیابی فردی هر یک از متقاضیان، نمایندگان آموزش و پرورش استثنایی تأکید کردند جلسۀ امروز کمیسیون پزشکی نیست و توانایی فردی متقاضیان برای تصدی آموزگار ابتدایی مدارس استثنایی از جنبه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. متقاضیان بعد از تأیید صلاحیت و توانایی‌های فردی، به کمیته علمی معرفی می‌شوند که در سناریوهای از پیش ‌تعیین‌شده باید از جهت تدریس در فضای کلاس، حل مسئلۀ دانش‌آموز با والدین و حل مسائل و مشکلات دانش‌آموزان با سایر معلمان همکار ایفای نقش کنند. اگرچه خود را مکلف به اعمال 3درصد سهمیۀ استخدام معلولان می‌دانیم، آنچه ما را با چالش مواجه می‌کند، ظرفیت محدود در پذیرش متقاضیان، اهمیت حس بینایی در تدریس مقطع ابتدایی و چهار ساعت تقلیل ساعت کار معلمین دارای معلولیت است که ما را با مشکل جایگزین کردن فرد دیگر در این بازه‌ زمانی مواجه می‌کند.

مشاور حقوقی بهزیستی اذعان داشت متقاضیان با سهمیۀ 3درصد استخدامی معلولان در آزمون شرکت کرده‌اند و نابینایی و کم‌بینایی آنها مفروض است؛ بنابراین ارزیابی آنها فقط از‌این‌جهت غیر‌قانونی و نا‌موجه است. علی‌رغم اهمیت حس بینایی در آموزش ابتدایی، متقاضیان در صورت توانایی و تسلط بر به‌کار‌گیری فناوری و ابزار‌های جایگزین مناسب تا حد زیادی می‌توانند این محدودیت را به حد‌اقل برسانند. امتیاز قانونی تقلیل ساعت کار معلولان که دلایل مختلفی دارد، نباید آنها را از فرصت‌های شغلی محروم کند. متقاضیان رد صلاحیت ‌شده بنا به اطلاعی که برای حضور در جلسه دریافت کرده بودند، تصور می‌کردند در کمیسیون پزشکی شرکت می‌کنند و همین موضوع تا حدی باعث استرس و فشار روانی آنها می‌شد، البته اینکه جلسه، کمیسیون پزشکی نیست، در ابتدای گفتگو به هریک از آنها اعلام می‌شد.

از هر‌یک از متقاضیان پرسش‌هایی در مورد میزان بینایی، توانایی یا عدم توانایی در به‌ کار ‌بردن خط بریل، نرم‌افزارهای متن‌خوان و نرم‌افزارهای تشخیص رنگ و...، ایفای نقش کوتاه در ورود به کلاس و سلام و احوال‌پرسی و ارتباط با دانش‌آموزان و آموزش یکی از‌ دروس، عمدتاً ریاضی و علوم پرسیده می‌شد. آنچه برای ارزیابی‌کنندگان اهمیت داشت، برقراری ارتباطی پر‌انرژی، گرم و دوستانه با دانش‌آموزان با معلولیت‌های مختلف، توانایی در استفاده از فناوری برای به حداقل‌رساندن محدودیت بینایی، توجه به ویژگی‌های فردی و یادگیری دانش‌آموزان با معلولیت‌های مختلف و چگونگی آموزش به هر‌یک از آنها به زبان ساده و مطابق با محتوای آموزشی مقطع ابتدایی و امکان کنترل ناسازگاری احتمالی دانش‌آموزان با معلولیت‌های مختلف بود.

وقتی نمایندگان از متقاضیان در مورد تجربۀ تدریس به دانش‌آموزان ابتدایی، به‌خصوص کم‌توانان ذهنی سؤال پرسیدند. مشاور حقوقی بهزیستی تأکید کرد اصولاً متقاضیان، چه عادی و چه دارای معلولیت، پس از پایان تحصیلات و قبل از استخدام، تجربۀ تدریس به این گروه در فضای رسمی و آموزشی را ندارند و نباید با متقاضیان که کارکنان خرید‌خدمت در مقطع آموزش و پرورش ابتدایی هستند، مورد مقایسه قرار گیرند. از سوی دیگر، جز در موردِ محدود بودن تعداد دانش‌آموزان دارای معلولیت در یک شهر، منطقی نیست با حضور معلمان بینا و کم‌بینا، آموزش دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی به معلمان نابینا محول گردد.

اگرچه استرس و فشار روانی در چنین جلساتی طبیعی است، در مورد شیوۀ ایفای نقش و سنجیدن توانمندی و پاسخ‌گویی هر یک از متقاضیان، چند نکته را باید مورد‌نظر قرار دهیم.

نکتۀ اول اینکه صرف‌نظر از سطح اطلاعات علمی، بعضی افراد با توجه به خصوصیات جسمی و ذهنی در برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان دارای معلولیت مقطع ابتدایی و آموزش مفاهیم درسی و مهارت‌های زندگی به آنها شایستگی دارند.

نکتۀ دوم: آشنا شدن با فضای تدریس در مدارس استثنایی از طریق مطالعۀ کتاب‌های مربوط و فایل‌های آموزشی در این زمینه، قبل از حضور در جلسۀ ارزیابی توانایی‌های فردی مفید خواهد بود.

نکتۀ سوم: متقاضیان در ایفای نقش و آموزش یک از مفاهیم درسی باید تا حد امکان، مطابق با کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی عمل کنند.

نکتۀ چهارم: استقلال فردی متقاضیان در مراجعه به محل ارزیابی و حضور مستقل در جلسه و در صورت لزوم استفاده از عصای سفید ازنظر ارزیاب‌ها اهمیت بسیاری دارد.

نکتۀ پنجم: متقاضیان میزان بینایی خود و توانایی استفاده از خط بریل و نرم‌افزارهای ویژۀ نابینایان را آن‌گونه که هست و تسلط دارند، اعلام کنند تا احیاناً در پیچ‌و‌خم پرسش‌های متعدد ارزیاب‌ها قرار نگیرند.

کلام آخر اینکه متقاضیان در صورت ظاهر نامتعارف چشم‌ها، از عینک مناسب برای اصلاح و پوشش دادن آن استفاده کنند. امیدواریم سازمان آموزش و پرورش استثنایی در مراحل ارزیابی باقی‌مانده و آزمون‌های پیش رو نیز توانایی‌های علمی و عملی متقاضیان دارای آسیب بینایی را از همه نظر و نه‌فقط محدودیت بینایی مورد توجه قرار دهد و به‌عنوان یک دستگاه متولی آموزش‌شناختی و رفتاری، حقوق شهروندی آنها را که یکی از بارزترین آن حق داشتن شغل مناسب با شأن و کرامت انسانی است، مورد‌توجه و عمل قرار دهند.

## **احمد رضا نابینای مبتکر، خلاق و تحول آفرین**

**محمد نوری (نویسنده و پژوهشگر حوزه معلولیت)**

متأسفانه مردم ایران، بسیاری از شخصیت‌هایی را که در پیدایش فرهنگ و تمدن ایران فعالیت داشته و زحمات فراوان متحمل شده، نمی‌شناسند. نسل جدید آن‌گونه که هنرمندان و چهره‌های غرب را می‌شناسد، با فعالان ایرانی آشنا نیست. به ویژه شخصیت‌هایی که نابینا یا ناشنوا یا دارای دیگر معلولیت‌ها بوده، گمنام و مجهول مانده‌اند. اینجانب از دو دهه قبل به دیدگاه و نظریه‌ای رسیدم و بر اساس این دیدگاه شروع به تحقیق درباره شخصیت‌های معلول کردم تا بالاخره به شخصیتی به نام احمد رضا برخورد کردم.

اما نظریه‌ای که پس از مطالعات فراوان به آن رسیدم این است که در ساخت و تولید تمدن‌ها در طول تاریخ، معلولان مشارکت داشته‌اند. به عبارت دیگر، بدون حضور و مشارکت معلولان، تمدنی نمی‌توانسته و هنوز هم نمی‌تواند پدید آید. این نظریه را به نام «تمدن سازی معلولان» مطرح کرده‌ام. فعلاً به این نظریه نمی‌پردازم و فقط یکی از مصادیق و مؤیدهای آن، یعنی احمد رضا را می‌خواهم معرفی کنم.

احمد رضا معلم، کتابدار، پژوهشگر، نویسنده است. ولی درباره او بسیار کم نوشته‌اند. مطالب منتشره درباره احمد، چند سطر بیشتر نیست. اما با تحقیق درباره فعالیت‌ها و آثارش به زوایای جدیدی دست یافتیم که بسیار راهگشا است. حدود دو سال وقتم را به صورت پاره وقت گرفت و توانستم آثارش را مطالعه و سه جلد کتاب‌هایش را آماده چاپ کردم.

**نگاهی به زندگی و دشواری‌ها**

احمد رضا فرزند اسدالله (یا شیخ اسدالله) در سال 1290ش/1911م در رشت متولد شد. به دلیل اینکه جد پدری‌اش به آقا رضا یا حاج رضا مشهور و از روحانیون سرشناس رشت بود از این‌رو نسل‌های بعد از او، با نام خانوادگی «رضا» شناخته می‌شوند.

احمد با نام خانوادگی رضا و لقب خادم بشر و تخلص منزوی در دو سالگی بر اثر آبله نابینای کامل شد. پدرش شیخ اسدالله مجتهد دارای تحصیلات حوزوی و از مالکین متوسط گیلان بود. مادرش منصوره شریعتمدار از خاندان مرجعیت و صاحب نام بود. جد پدری‌اش، حاجی آقا رضا ساکن رشت و از مالکین بزرگ و از افراد متنفذ منطقه و جد مادری‌اش ملامهدی شریعتمدار بود. اما با همه این شرایط وقتی احمد در دو سالگی، آبله گرفت با کم‌توجهی والدین و تأخیر در معالجه مواجه شد و بالاخره نابینا گردید. غم آورتر اینکه در چهار سالگی، مادر 24 ساله‌اش را از دست داد. گویا تقدیرش با زندگی در دشواری‌ها نوشته، چون پدرش مجدداً ازدواج کرد و احمد را رها کرد و به خانه پدر همسر جدیدش کوچ نمود. فضل‌الله برادر کوچک‌تر احمد را به جد مادری‌اش سپرد و احمد را در اتاقی در خانه پدری که دست مستأجر بود، سکونت داد. احمد با پیرزنی در این اتاق زندگی می‌کرد، به دور از پدر و برادرش و با حداقل امکانات و هزینه.

جنگ جهانی اول (شروع 1294 و اتمام 1298ش) شروع شده و منطقه گیلان بحرانی بود. از این‌رو پدر احمد با همسر جدیدش در سال 1297 به تهران کوچک کرد. احمد چند سال در وضع سخت زندگی کرد و تلخی‌های این دوره هیچ‌گاه از ذهنش زدوده نمی‌شد.

وضع مالی و خانوادگی پدرش بحرانی و مجبور شد به رشت باز گردد و همسر جدیدش هم طلاق گرفت. این بحران وضع خانوادگی احمد را سخت‌تر کرد. هجده ساله بود که پدرش هم فوت کرد و احمد بی‌پناه‌تر شدن، ضرورتاً به برادرش فضل‌الله پناه برد و با هم زندگی می‌کردند.

با اینکه احمد از خانواده‌ای ثروتمند و مشهور و دارای تمکن‌های فراوان بود اما زندگی‌اش از کودکی تا آخر همواره در سختی‌ها و دشواری‌ها گذشت. ولی احمد سرسخت و صبور و با پشتکار توانست مشکلات را از سر راهش بردارد و به بسیاری از خواسته‌هایش برسد. می‌خواست درس بخواند، به دانشگاه رود، معلم شود، شرایط جامعه را برای نابینایان عوض کند، با جنگیدن با دشواری‌ها و موانع بالاخره به برخی اهدافش رسید.

**تحصیل و پیشرفت**

احمد در دوره‌ای زندگی می‌کرد که برای نابینایان امکاناتی مثل مدرسه، کلاس درس، حرفه‌آموزی و اشتغال نبود. پانزده ساله بود که اولین کلاس درس برای نابینایان توسط کریستوفل در تبریز دایر شد و هجده ساله بود که اولین مدرسه برای نابینایان در اصفهان دایر شد. اغلب نابینایان به مشاغل پست مثل گدایی رو می‌آوردند، نهایتاً در قبرستان‌ها به قرآن خوانی می‌پرداختند. ولی احمد تصمیم گرفته بود مثل افراد عادی زندگی کند، شغل آبرومند داشته باشد، معلم شود، کتاب بنویسد؛ حتی درصدد بود تا وضع جامعه را دگرگون سازد. اولین نابینایی است که در ایران به مطالعه کشورهای پیشرفته اقدام کرد و سعی کرد از مدارس، نظام آموزشی و حرفه‌آموزی نابینایان در آن کشورها، اطلاعات به دست آورد، سپس روی این اطلاعات تأمل می‌کرد و کتاب نوشت.

بالاخره احمد وقتی به سن و سال مدرسه رفتن رسید، مدام از پدر و اقوامش می‌خواست او را به مدرسه ببرند، اما همگان، تحصیل یک نابینا را محال و غیرممکن می‌دانستند اما احمد می‌گفت در برخی کشورها انجام شده و در ایران هم می‌توانیم اجرا کنیم.

بالاخره در سیزده سالگی پدرش را مجبور کرد و مجبوراً او رابه مکتب خانه برده و به مکتب دار (مربی) سپرد. در آن دوره هیچ مدرسه‌ای برای نابینایان در رشت نبود. مکتب‌خانه‌ها هم به روش شفاهی و حفظی به کودکان قرآن می‌آموختند. احمد دو سال در مکتب خانه ماند ولی محیط و روش آنجا را دوست نداشت و می‌خواست مثل دیگران به مدارس عادی برود. پانزده ساله بود که همراه برادرش فضل‌الله در مدرسه اسلامی رشت (شاهپور جدید) ثبت‌نام شد. البته فضل‌الله هفت سال از احمد کوچکتر بود. مدیریت آن مدرسه از پذیرش احمد امتناع می‌کرد ولی پدر احمد از مدیریت خواست تا به روش مستمع آزاد در کلاس درس شرکت کند و دانش‌آموز رسمی نباشد.

بالاخره احمد در 1305 به مدرسه جدید پا گذاشت و یک گام به اهدافش نزدیک شد. اولین تصمیمش این بود که از مستمع آزاد به دانش‌آموز رسمی ارتقا پیدا کند. در مستمع آزاد دانش‌آموز متعهد به اجرای تکالیف و ضوابط نبوده و مدیریت مدرسه هم به او مدرک نمی‌دهد. اما احمد دقیقاً به درس‌ها گوش می‌داد، تکالیفش را انجام می‌داد و سعی می‌کرد مثل دانش‌آموزان دیگر بلکه برتر از آنان باشد. بالاخره موفق شد و مدیریت مدرسه او را به عنوان دانش‌آموز رسمی پذیرفت. مهم‌ترین مانع در پذیرش او نابینایی بود و فکر می‌کردند هر کس نابینا است نمی‌تواند مطالب را یاد بگیرد اما رفتار احمد برای اولین بار اثبات کرد و به آنان فهماند که یک نابینا می‌تواند مثل دیگران مطلبی را مطالعه کند، بفهمد، سواددار شود، فکر و تحلیل کند. این رفتار باعث شد نه تنها مدیریت مدرسه اسلامی رشت بلکه اداره معارف (آموزش و پرورش رشت) و بعداً وزارتخانه معارف متحول شده و دیدگاه وزیر و مدیران نسبت به نابینایی عوض شود. همه این تحولات به خاطر، پافشاری‌ها و جدیت احمد بود.

نهایتاً دوره ابتدایی و متوسطه را پشت سر گذاشت، البته برای گذراندن هر کلاس و هر دوره و حتی هر درس مشکلات و موانع فراوان داشت و مجبور بود با درایت و صبوری و نشان دادن هوش و توانایی خود، راه را هموار کند. از این‌رو می‌توان احمد را جاده صاف کن یا جاده هموار کن برای تحصیلات نابینایان بعدی دانست. همان‌طور که نابینایان باید از لویی بریل که خط برجسته را ابداع کرد و امکان خواندن و نوشتن را فراهم آورد، تشکر کنند، باید از احمد رضا هم قدرانی نمایند که موانع جلوی راه تحصیل نابینایان را در ایران برداشت.

**ادامه این مقاله**

مقاله حاضر به همین جا تمام نمی‌شود بلکه در نظر دارم در هر شماره نشریه وزین *مانا*، مطلبی درباره احمدرضا بیاورم، درباره دانشگاه رفتن و تحصیلات دانشگاهی او، درباره معلمی و معلم شدن او، درباره کتاب‌هایی که نوشته و درباره حدود بیست موضوع دیگر مقالاتی عرضه کنم.

جا دارد از متصدیان و مسئولان این مجله، آقایان شادکام، جمالی، سرمدی و دیگر مدیران تشکر کنم که با تلاش دائمی و مستمر درصدد رشد و گسترش فرهنگ نابینایی هستند.

**مآخذ**

*اثری از بی‌بصری*، احمدرضا، تهران، مؤلف، 1327؛

*زندگی‌نامه خودنوشت یا زندگی مادی و معنوی*، چاپ شده در مجموعه اثری از بی‌بصری، تهران، 1327، 53ص.

## **اطلاع‌رسانی**

آقایان نیما کبیر و جعفر حسینی، از مدرّسان باسابقه‌ی موسیقی، کلاسهای آموزشی آواز سنّتی، سلفژ، صداسازی، ویولون، تار، سه‌تار و فلوت را همراه با نت‌نویسی بریل با شهریه‌ی مناسب و پنجاه درصد تخفیف برگزار می‌نمایند.

مکان: مرکز نابینایان رودکی تهران تلفن تماس: ۰۹۱۲۷۰۵۷۵۴۶

## **به قلم شما**

سطرهایی که پیش روی شماست، دل‌نوشته‌ای است به قلم خوانندۀ قدیمی نسل مانا، خانم فرزانه عظیمی، وکیل و فعال رسانه‌ای نابینا، که به مناسبت روز خبرنگار در اختیار تحریریۀ نسل مانا قرار داده‌اند.

سپاس‌گزارِ محبت مداوم ایشان نسبت به نسل مانا هستیم.

## **«خبرنگار» با نشانِ «بوسۀ پروردگار»**

قسم به قلم

که واژه، با دستانِ توانای شما

جامۀ حقیقت می‎پوشد؛

شما که آیینۀ تمام‎نمای صداقت

و طلایه‎دارانِ جبهۀ راستی هستید

شما که پیغمبرانِ آگاهی هستید

و رسالتتان،

کُشتن ظلماتِ جهل

و پُرفروغ ساختنِ چراغ دانایی در اندیشۀ انسان‎هاست.

شما که باکِتان نیست از تهدیدها

و با شهامت و شجاعت،

می‎نِگارید بر جرید‌‎ۀ عالم از عدالت

آری!

آن هنگام که با سلاح بُرندۀ خویش،

با قلم خویش

به جنگ علیه باطل می‎روید

و واژه به واژه، پرده برمی‎دارید از پلیدی‎ها...

آن‌گاه‌ که گام می‎نَهید بر سرزمین ناشناخته‎ها

و گوشِ شنوایی می‎شوید برای حکایت نَقل‎ها

تا قطره‌قطرۀ جوهری که از گلوی قلمتان می‎چکد، زبان گویایی گردد برای روایت رنج‎ها

و حنجرۀ توانایی برای فریاد دردها...

آن زمان که از دو دیده، هزار دیده در وجودتان تکثیر می‎شود

تا سراپا دیدگانِ ملتی شوید

برای به تصویر کشیدن کَژی‎ها و کاستی‎ها...

همانا آن دَم

خدا بر دست‎ها و گوش‎ها و چشم‎هاتان بوسه می‎زند؛

همان خدایی که قلم را به شما هدیه داد

و نوشتن را به شما آموخت.

و چه مقدس است

آن‌کس که نشان از «بوسۀ پروردگار» دارد!

و اینک روزِ توست؛

روزی که به حرمت و تَقدست،

ملائک در آسمان هفتم

نوای «نون وَالقَلَم» سر داده‎اند:

«ن

وَالْقَلَمِ

وَ مَا يَسْطُرُون».

خامه‎هاتان پُر‌جوهر!

کاغذ‌هاتان رو‌سپید از سیاهی واژگان پُرگهر!

روزتان فرخنده!

## **مجبورم، می‌فهمی؟ مجبور**

خدایا! ما را بکش تا خلاص شویم از دست این بندگان روشن‌نمایت! به سبیل مبارک قسم که ما می‌خواهیم دو روز آرام باشیم، اما نمی‌گذارند. حتماً شما هم ماجرای این دوست بزرگوار کلاس ششم را شنیده‌اید. نه! اشتباه نکنید، منظورمان آن برادر کلاس ششمی نبود. ایشان فعلاً مشغول رانندگی لوکوموتیرشان هستند. منظورمان دوست بزرگواری بود که سر جلسۀ آزمون با مشکل مواجه شده بود. ما که فیلمش را دیدیم، بسیار فیلم بود. از آن فیلم‌تر، تیا‌تری بود که رئیس آموزش و پرورش شهرشان و وزیر وزین درآوردند. به نظرم می‌توان از این کلیپ‌ها به‌عنوان برنامه‌های طنز در شبکۀ نسیم استفاده کرد. این‌طوری بودجۀ کمتری صرف تهیۀ فیلم می‌شود و انبان مسئولان محترمِ رسانۀ میلی نیز بیشتر پر می‌شود.

علما در مواجهه با این قضیه، دو دسته شده‌اند؛ عده‌ای را ژست روشنفکری در سر اوفتاده و عقیده بر آن است که این بزرگوار نباید تولید ترحم می‌کرد و می‌بایست از راه‌های قانونی مطالباتش را پیش می‌برد و به‌اصطلاح حفظ کلاس می‌فرمود. عده‌ای دیگر، اما آن‌ور خط وای‌ساده و اعتقاد راسخ دارند که خوب کرد. اصلاً باید بیشتر جلب ترحم می‌کرد. تو این مملکت فقط از راه کولی‌بازی می‌توان کار را پیش برد و بس.

راستش را بخواهید، ما به‌عنوان یک انسان موشکاف و عاقل و خردمند، قطعاً نظرمان به نظر دستۀ اول نزدیک‌تر است و خودمان را می‌کشیم ادای آدم‌حسابی‌ها را دربیاوریم و هرطوری است نگذاریم کرامت افراد دارای معلولیت بازیچۀ دست عده‌ای معلول‌نمای ترحم‌طلب شود، اما سؤال اینجاست که این استراتژی انسانی و مملو از کرامت و حق‌طلبانه و مدنی و مترقی ما چقدر توانسته مشکلاتمان را حل کند؟ چند بار ما از راه‌های قانونی به نتیجه رسیدیم که بازهم آن را ادامه بدهیم؟ آیا کسانی که راه غلط را رفته‌اند، زودتر به نتیجه نرسیده‌اند؟ آیا این خود جامعه نیست که ما را هُل می‌دهد به سمت وادی ترحم و اجازه نمی‌دهد راه قانونی‌مدنی کارکردی داشته باشد؟

علاوه بر این مگر این راه ناصوابِ جلب ترحم خاص ماست؟ مگر بزرگان ما خودشان هر وقت گیر می‌کنند به صحرای کربلا نمی‌زنند و جلب ترحم نمی‌کنند؟! هنوز فراموش نکرده‌ایم که چند سال پیش به زور شمشیر یکی را از توی یک صندوق بیرون آوردند، 24 ساعت از ماجرا نگذشته بود که خود صندوق به صدا درآمد که آقا! والّا به خدا این مال ما نبوده! درنهایت وقتی اوضاع قاراشمیش شد، صاحب صندوق، شخصاً، وارد عمل شد و با جلب ترحم سر و ته قضیه را هم آورد. آن‌وقت شما انتظار دارید یک دختربچه برای دفاع از حقوق ازدست‌رفته‌اش از راه‌های قانونی استفاده کند!

ما به‌اندازۀ موهای سر کچلمان از این نمونه‌ها سراغ داریم. یادمان می‌آید در عنفوان جوانی، اتفاقی مشابه برای ما رخ‌ داد. آن زمان که کنکور مثل این روزها کشکی نبود، ما یک‌سال نشستیم و الاغ زدیم و خودمان را برای کنکور آماده کردیم، اما سر جلسۀ امتحان به ما یک منشی دادند که بیشتر شبیه منشی پزشک‌ها بود و فقط بلد بود ادای منشی بودن را دربیاورد. آن سال، کنکورِ ما به باد فنا رفت و مثل آب خوردن یک‌سال عقب افتادیم. پس از این اتفاق، ما کلی اعتراض کردیم و تلاش کردیم از راه‌های قانونی کاری به انجام برسانیم، اما تلاش‌هایمان همچون لوکوموتیری بود که مسیر را برعکس طی می‌کرد! فریادهای حق‌طلبانۀ ما همان اندازه به بار نشست که تلاش‌های برادر کلاس ششمی‌مان برای کنترل اوضاع!

این البته تنها اتفاق نبود. بارها در جاهای مختلف حق ما خورده شد و ما خودمان را قطعه‌قطعه کردیم تا از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز حقمان را بگیریم، اما نشد که نشد. بعدها بعضی از دوستان آمدند و شبکه درست کردند که مثلاً از حق ما دفاع کنند. کلی خوشحال شدیم و چند بار شکایت پیش این دوستان بردیم، اما دیدیم خودشان منزل تشریف ندارند! به قول پروین، دختر همسایه‌مان، «قاضی از کجا در خانۀ خَمّار نیست»؟

یادمان است سال گذشته یکی از فرزندان کوردلمان پایش رفت توی پله‌برقی و کمی ماند که چرخ شود. این بنده‌خدا که آن زمان یک روشندل بزرگوار بود، اما بعداً به‌واسطه همین اتفاق کمی روشنایی‌اش را از دست داد و تبدیل به گرگ ‌و ‌میش‌دل شد، از هر راه قانونی و مسالمت‌آمیز که بلد بود، استفاده کرد که صدایش را به گوش مسئولان شهر برساند، اما مسئولان محترم به‌اندازۀ یک تربچه هم برای این گرگ ‌و‌ میش‌دل بدبخت ارزش قائل نشدند و او را اصلاً داخل آدم حساب نکردند. ما اطمینان داریم اگر این اتفاق برای یک گربه می‌افتاد، سروصدای بیشتری ایجاد می‌کرد!

اما در نقطۀ مقابل، دوستانی که از راهکار نامأنوسِ جلب ترحم بهره برده‌اند، همیشه جلوتر بوده‌اند. حال اینکه کل اعتبار و آبروحیثیت جامعۀ معلولان را به باد فنا می‌دهند و زمینۀ بازتولید کلیشه‌ها را فراهم می‌کنند، اصلاً اهمیتی ندارد، مثلاً همین چند سال پیش، یک زوج خوشبخت روشن‌نما در یکی از فرودگاه‌های بین‌المللی شهرهای جنوبی، بساط فروش دام و طیور زنده راه انداخته بودند و بدون توجه به تمام قوانین و شرایط، هر کاری دلشان می‌خواست می‌کردند و کسی را یارای سخن گفتن نبود. درنهایت وقتی مدیران فرودگاه از آنها خواستند برای رعایت بیشتر بهداشت، مرحمت فرموده و مرغ‌هایشان را در محوطۀ فرودگاه ذبح نکنند، دوستان چند کلیپ ترحمی راهی بازار کردند و آن‌قدر جلب ترحم کردند که خود مدیر فرودگاه جیگرش برای حقوق از‌دست‌رفتۀ این زوج مظلوم کباب شد و شخصاً برایشان غرفۀ ویژۀ ذبح دام و طیور، به روش روشن‌دلانه، راه انداخت. شنیدم بعدها کار و کاسبی این زوج رونق گرفت و داخل برخی هواپیماها هم غرفه‌های مشابه زدند. به‌هرحال قدرت جلب ترحم را نباید نادیده گرفت.

مَخلص کلام اینکه درست است که در همه جای دنیا در چنین مواقعی، همۀ ذی‌نفعان و سازمان‌های حامی بسیج می‌شوند و تمام تلاششان را می‌کنند که موضوع را به‌صورت ریشه‌ای، نه موردی حل کنند، اما این راه‌های سوسولکی به درد ما نمی‌خورد. ما باید از روش‌هایی استفاده کنیم که با وضعیتمان جور باشد. ما که نه‌فقط آب نداریم؛ برق نداریم، اتوبوس مجانی نداریم، محیط‌زیست نداریم، پول نداریم، تازه کرامت انسانی هم نداریم و آن‌وقت مسئولان مکرممان به فکر قانون‌گذاری برای رنگ بند تنبان هستند، چطور می‌توانیم از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز برای تغییر وضعیت صحبت کنیم. زندگی ما در شو آف خلاصه شده، مجبوریم ما نیز از شو آف استفاده کنیم تا شاید از این نمد کلاهی به ما برسد.

**ارادتمند**

**موشکاف**



1. Royal National Institute of the Blind [↑](#footnote-ref-1)
2. Connect radio [↑](#footnote-ref-2)
3. Hubert Pawelkiewicz [↑](#footnote-ref-3)
4. Dr Nic Bonne [↑](#footnote-ref-4)
5. Tactile Universe [↑](#footnote-ref-5)
6. Raz Mobility [↑](#footnote-ref-6)
7. Smart Vision3 [↑](#footnote-ref-7)
8. Blindabilities [↑](#footnote-ref-8)
9. Nimer Jaber [↑](#footnote-ref-9)
10. Look out [↑](#footnote-ref-10)
11. . vending machine به دستگاهی گفته می‌شود که بدون نیاز به فروشنده، اجناس را به خریداران عرضه می‌کند. [↑](#footnote-ref-11)